

# آینده

## ارگان مرکزی نهضت آینده افغانستان

شماره ۴۱، دور دوم، سال نهم، سرطان ۱۳۸۸

AYENDA No.41. July 2009

### یادداشت مدیر مسؤل

#### وحدت نیروهای چپ و دموکراتیک یک ضرورت تاریخی

پلنوم وسیع و باز شورای مرکزی نهضت آینده افغانستان مسأله وحدت نیروهای چپ و دموکراتیک کشور را به حیث یک نیاز مبرم تاریخی جهت حضور در وضعیت سیاسی و یکی از عوامل اساسی نجات کشور از وضع فاجعه بار کنونی؛ در برابر تمام نیروهای دموکرات، ترقیخواه و چپ کشور مطرح ساخت.

دیدگاه های نهضت آینده افغانستان به حیث گردان رزمندی که در قبال وحدت نیروهای ترقیخواه، چپ و دموکرات کشور بیش از هر نیروی دیگر احساس مسؤولیت میکند، در راه آن می رزمند و راه های منطقی نیل به آن را صراحت میبخشد، در گزارش هیئت اجرایی نهضت آینده افغانستان به پلنوم با صراحت بیان گردیدند.

حضور تعداد زیادی از نماینده گان سازمانهای مؤثر و مطرح ترقیخواه، دموکرات و چپ و همچنان سهمگیری شخصیتهای مستقل ترقیخواه و دموکرات کشور در کار پلنوم و پشتیبانی یکپارچه آنان از امر وحدت که در بیانیه پایانی پلنوم وسیع و باز شورای مرکزی نهضت آینده افغانستان منعکس گردید بیانگر شتابگیری تلاشهای وحدتخواهانه و نمایانگر اراده آنان برای شرکت در پروسه وحدت تلقی میگردد.

طرح تدویر مجمع نیروهای چپ به هدف همسو کردن دیدگاه های احزاب، سازمانها، حلقات و شخصیتهای مستقل ترقیخواه، دموکرات و چپ که قبل از همه جنبه نظری و آفاقی خواهد داشت و همچنان تدویر کنفرانسی مرکب از هیئتهای رهبری و یا نماینده گان احزاب، سازمانها و حلقات ترقیخواه و دموکرات و شخصیتهای مستقل و مؤثر چپ دموکرات جهت بحث روی میکانیزم تدویر مجمع عالی وحدت، در کلیت مورد تأیید پلنوم و مهمانان شرکت کننده قرار گرفت.

ما عقیده داریم که در لحظه کنونی بیش از هر وقت دیگر فرصتهای مناسب جهت وحدت نیروهای مترقی دموکرات و چپ در یک سازمان واحد در حال شکل گیری است. ما عقیده داریم که بررسی واقعبینانه و مسؤولانه وضع موجود، احساس مسؤولیت تاریخی برای برون بردن کشور از وضع فاجعه بار کنونی و همچنان فشار فزاینده صفوف سازمانها

بقیه در صفحه ۲

### پلنوم وسیع و باز شورای مرکزی نهضت آینده افغانستان

#### دایر گردید

پلنوم وسیع و باز شورای مرکزی نهضت آینده افغانستان به منظور بررسی اوضاع سیاسی کشور، مسایل و چشم اندازهای تشکل نیروهای چپ، دموکراتیک و مترقی در یک ساختار واحد سیاسی و مسایل مربوط به انتخابات ریاست جمهوری، به تاریخ ۶ سرطان ۱۳۸۸ مطابق ۲۷ جون ۲۰۰۹ در فضای گرم و رفیقانه دایر گردید.

گزارش هیئت اجرایی شورای مرکزی نهضت آینده افغانستان توسط رفیق عبدالله نایبی رییس نهضت آینده افغانستان به پلنوم ارائه گردید. پس از آن رفقا: مسؤل شهر کابل نهضت آینده افغانستان، عصمت نایبخیل منشی فدراسیون دنمارک نهضت آینده افغانستان، داکتر شمس صمدی منشی فدراسیون اتریش نهضت آینده افغانستان و طارق پیکار منشی فدراسیون هالند نهضت آینده افغانستان صحبت نمودند. **بقیه در صفحه ۲**

#### اعلامیه پلنوم وسیع و باز شورای مرکزی نهضت آینده افغانستان

پلنوم وسیع و باز شورای مرکزی نهضت آینده افغانستان به منظور بررسی اوضاع کشور، تحلیل وضعیت جنبش مترقی و دموکراتیک افغانی در فضای گرم و رفیقانه دایر گردید. شرکت کننده گان پس از بحث همه جانبه ابراز میدارند:

۱- از ابتکارهای سازمانهای دموکراتیک و مترقی در راه اساسگذاری یک سازمان واحد سراسری متعلق به مردم زحمتکش افغانستان حمایت صورت گرفته برای تحقق آنها همه جانبه تلاش صورت گیرد؛

۲- کنفرانس نماینده گان باصلاحیت رهبریهای سازمانهایی که ضرورت ایجاد یک سازمان سراسری و دموکراتیک را درک میکنند دایر گردد. در این کنفرانس ضرورت و مسایل ایجاد یک سازمان سراسری مورد بحث و تحلیل قرار گیرد. گروه تماس و سازماندهی این کنفرانس از نماینده گان سازمانها و شخصیتهای مستقل ایجاد گردد؛

۳- نیروها و شخصیتهای مترقی و رفقای وفادار به آرمانهای مردم افغانستان فراخوانده میشوند تا فعالانه در امر وحدت جنبش مترقی و دموکراتیک افغانی تلاش نمایند. **جون ۲۰۰۹ شهر بن آلمان**

یادداشت: این اعلامیه توسط نماینده گان سازمانها و شرکت کننده گان پلنوم به اتفاق آرا به تصویب رسید.

در این شماره: ۱- یادداشت مدیر مسؤل، ۲- خبر تدویر پلنوم، ۳- اعلامیه پلنوم باز و وسیع شورای مرکزی ن.آ.ا.، ۴- گزارش هیئت اجرایی ن.آ.ا. به پلنوم، ۵- قطعنامه پلنوم، ۶- فشرده سخنرانی رفیق عصمت نایبخیل، ۷- متن سخنرانی رفیق طارق پیکار، ۸- متن سخنرانی رفیق شمس صمدی، ۹- متن سخنرانی رفیق عبدالرشید جانباز، ۱۰- پیام شورای اروپایی نهضت فراگیر، ۱۱- متن سخنرانی رفیق فواد پامیری، ۱۲- پیام حزب ملی افغانستان و پیشنهادات رفیق ابراهیم دهقان، ۱۳- متن سخنرانی رفیق داود اٹک، ۱۴- متن سخنرانی رفیق فرید سیاوش، ۱۵- متن سخنرانی محترم سلیمان راوش، ۱۶- متن سخنرانی رفیق شمس الرحمن کیبی، ۱۷- پیامهای رسیده به پلنوم،

**ادامه خبر تدویر پلنوم ... از صفحه اول**

سپس نماینده گان سازمانها و شخصیت‌های دموکرات به ترتیب سخنرانی کردند:

- رفیق عبدالرشید جانباز معاون حزب ترقی وطن
- رفیق ابراهیم دهقان نماینده حزب ملی افغانستان
- رفیق فواد پامیری نماینده نهضت دموکراسی و ترقی افغانستان
- رفیق شمس الرحمن کبیری نماینده حزب آرمان مردم افغانستان
- رفیق محمد داود اٹک شخصیت مستقل سیاسی
- رفیق فرید سیاوش مسؤول سایت زنده گی
- محترم سلیمان راوش شخصیت مستقل
- رفیق اسمعیل پولاد
- رفیق عظیم شهبال
- رفیق داکتر سید حسام مل
- رفیق احمدشاه عبادی
- رفیق قادر یامان

پس از مباحثه شرکت کننده گان، قطعنامه و اعلامیه پلنوم وسیع و باز به اتفاق آراء مورد تصویب قرار گرفتند. در پایان رفیق عبدالله نایبی طی صحبت اختتامیه بی از شرکت فعالان نماینده گان سازمانها و شخصیت‌های مستقل چپ و دموکراتیک ابراز امتنان و سپاسگزاری کرده، تدویر مؤفقتانه پلنوم وسیع و باز نهضت آینده افغانستان را یک گام جدی دیگر به سوی وحدت جنبش چپ، دموکراتیک و مترقی ارزیابی کرد.

در کار پلنوم از سازمانها و شخصیت‌های مستقل چپ، دموکرات و مترقی دعوت به عمل آمده بود که بخشی از آنها نسبت دوری راه و برخی معاذیر دیگر نتوانستند شرکت کنند و تعدادی از طریق ارسال پیامهای کتبی یا شفاهی، حمایت و

**ادامه یادداشت مدیر مسؤول ... از صفحه اول**

در یک سازمان بزرگ سرتاسری ترقیخواه و دموکراتیک، فضایی را به وجود آورده که هیچکس نمیتواند تحت هیچ بهانه بی از کنار آن بگذرد و آن را نادیده بگیرد.

ما باور داریم که فرصتهایی از این دست همیشه شکل نمیگیرد باید این فرصت‌ها را مسؤولان به حیث سرآغاز حرکت به کار گرفت.

تلاشهای پراکنده فراوانی همین اکنون از مجاری مختلف برای وحدت و ایجاد یک سازمان بزرگ سرتاسری ترقیخواه جریان دارد. به نظر ما تلاشهای موجود با حرکتی مصلحتی از قبل شکست خورده پیشین متفاوت است.

نهضت آینده افغانستان ضمن ارج گذاری به همه تلاشهای صادقانه در این راستا، عقیده دارد که وقت آن فرارسیده است که همه این تلاشها در جریان واحدی کانالیزه شوند.

ما معتقدیم برای نیل به یک وحدت پایا و ایجاد یک سازمان بزرگ سرتاسری ترقیخواه، باید قبل از همه به قرائت واحدی از برهان وجودی چنین سازمان دست یافت و چتر اندیشه بی آن را همه باهم از طریق گفتگو، مدارا، گذشت و

ملاک قراردادن دگرگونیهای تاریخی، وضع موجود و واقعیت‌های خاص جامعه افغانی پیریزی کرد. ما عقیده داریم الگوپردازیهای غیر متناسب با

همبسته گی خود را با پلنوم ابراز داشتند. همچنان رفقای فدراسیونهای دنمارک، انگلستان، امریکا، سویدن، روسیه و امریکای نهضت آینده افغانستان و تعداد از رفقا و دوستان از داخل و خارج کشور از طریق خط انترنتی در کار پلنوم اشتراک نموده بودند.

**سازمانهای دعوت شده :**

- اتحادیه زنان افغان در دنمارک
- کمیته فعالین حزب دموکراتیک خلق افغانستان
- حزب کنگره ملی افغانستان
- حزب ملی افغانستان
- حزب ملی هیواد
- حزب ملی دریخ
- حزب متحده ملی
- نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی
- انجمن حقوق دانان افغانستان
- حزب آزاده گان
- حزب آرمان مردم افغانستان
- مجمع ملی فعالین صلح افغانستان
- کمیسیون مؤقت تفاهم و وحدت اعضای سابق ح.د.خ.ا «حزب وطن»
- کمیته تفاهم احزاب سیاسی مقیم مسکو
- حزب ترقی وطن افغانستان
- کمیته اجرائیوی تشکیلات مؤقت انسجام اعضای حزب وطن
- کمیته انسجام برای اعاده فعالیت اعضای حزب وطن
- سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان

واقعیت و اصرار لجوجانه بر مواضع فکری و سیاسی که صرف خود ما آن را برهان قاطع میدانیم، راه ما را به بنیست می کشاند.

ما معتقد هستیم که صداقت، شفافیت و احساس مسؤولیت صادقانه در قبال امر مقدس وحدت سنگ بنای اعاده اعتماد و خروج از بحران اعتماد موجود را تشکیل میدهد. باید با استفاده از تلاشهای وحدت طلبانه برای نیل به اهداف خاص سیاسی، مکر، فریب، زیاده خواهی، خودنگری، تکروی و بازیهای اوپراتیفی و افزاری با امر بزرگ وحدت وداع کرد.

این شیوه های آزموده شده جز تعمیق بحران اعتماد، ایجاد سد و مانع در برابر وحدت، تداوم وضع موجود در کشور و جفا به آرمانهای والای انسان زحمتکش کشور فرایندی دیگری نخواهد داشت.

تا جاییکه به نهضت آینده افغانستان ارتباط دارد ما به امر وحدت در یک سازمان بزرگ ترقیخواه، دموکرات و چپ جهت دفاع از منافع خلق از طریق حضور در وضع سیاسی کشور با خوشبینی مینگریم. ما به سهم خود مانند همیشه با صداقت، واقعینی و احساس مسؤولیت در این راه خواهیم رفت. توقع ما از رفقا و دوستان دیگر این است که در این راه دشوار همراه ما باشند.

خلق و تاریخ هیچگونه تعلل، کجروی و بهانه تراشیهایی غیر موجه را در این مورد بر ما نخواهند بخشید.

دیگر به همه گان روشن است که افغانستان نیازمند یک سازمان بزرگ چپ دموکراتیک است تا بتواند به حیث محور یک الترناتیف دمکراتیک به مطالبات برحق مردم پاسخ دهد و یکجا با سایر نیروهای مترقی، دولت واقعاً ملی را سامان بخشد، نیروهای مسلح واقعی مدافع منافع مردم و کشور را ایجاد نماید و افغانستان را به شاهراه ترقی و استقلال کامل سوق دهد.

## گزارش هیئت اجرایی شورای مرکزی نهضت آینده افغانستان

به پلنوم وسیع و باز شورای مرکزی نهضت آینده افغانستان

ارائه کننده: رفیق عبدالله نایبی رئیس نهضت آینده افغانستان

۲۷ جون ۲۰۰۹ م.

رفقای عزیز،

دوستان و مهمانان گرانقدر،

عمدی نقش دولت و سکتور عامه در اقتصاد ملی، به انارشی اقتصادی و رونق کشت و قچاق مواد مخدر انجامید.

انارشی و رکود اقتصادی همراه با دیکتاتوری شبکه بی سیاسی - نظامی گروههای جهادی - مافیایی حاکم، زمینه های شیوع فساد را در سراسر نهادهای اقتصادی و سیاسی کشور فراهم ساخت. مافیای مواد مخدر چنان شریانهای قدرت و اقتصاد را در دست دارند، که میشود، به جای "نارکو - دولت"، از "نارکو - نظام" سخن گفت. درآمد سالیانه از طریق زرع و قچاق مواد مخدر بیش از هشت برابر بودجه سالیانه دستگاه حکومتیست. این رقم خود گواه بارز نبود دولت به مفهوم حقوقی آن است. پیش گرفتن سیاست اقتصادی لجامگسیخته زیرعنوان «بازار آزاد»، ایجاد سهولتهای بیسابقه برای سرمایه گذاریهای خارجی، تخصیص دادن میلیارد ها دالر به عنوان بازسازی افغانستان، فعال ساختن بیش از چهار هزار و پنجصد انجو به حیث میکانیزم رفع اصطکاکهای اجتماعی - اقتصادی، تمویل مستقیم قوای مسلح کشور و دیگر برنامه ها و اقدامهای هدفمند، نتوانستند حداقل پایه های اقتصاد ملی را در کشور پیریزی کنند.

افغانستان از نگاه داشتن زیربنای اقتصادی و سطح تولید در شمار آخرین کشورهای جهان قرار دارد. دلرهایی که به کشور سرازیر شدند، به یک قشر کوچک تعلق گرفتند. اکثریت مطلق مردم افغانستان در فقر یا تنگدستی به سر میبرند. در اثر نبود خدمات صحتی و اجتماعی، شیوع بیماری، اعتیاد، انتحار و دهها مصیبت اجتماعی دیگر، جامعه افغانی در آستان اضمحلال قرار گرفته است.

نابرابریهای طبقاتی و فاصله میان فقر و ثروت وسیعتر و ژرفتر میشود، گرانی، بی سرپناهی، عدم دسترسی به امکانات آموزشی و پرورشی به گونه روز افزون دامنگیر بخشهای بیشتر مردم و خانواده های زحمتکش میگردد.

وضع اقتصادی مردم، به ویژه لایه های پایینی جامعه رو به وخامت گذاشته از جمله ۱۵ میلیون جمعیت مستعد به کار بیشتر از ۴۰ درصد آن بیکار اند.

بازسازی کشور از لحاظ اقتصادی از محدوده شعارهای تبلیغاتی فرا نرفته است، مؤسسات و تصدیهای دولتی که به مردم تعلق دارند، به حراج گذاشته شده اند، ملیونها جریب زمین دولتی و ملکیتهای عامه به وسیله زورمندان و مافیای زمین غضب گردیده، دهقانان بیدفاع و مالداران مظلوم از بالای زمینها و علفچرهای شان رانده میشوند، قشر میانه حال دهقانان اکثراً به کارگران زراعتی و موسومی و یا کارگران روزمزد تبدیل میگردند.

پلنوم وسیع و باز شورای مرکزی نهضت ما در شرایطی دایر میگردد، که میهن ما هنوز صحنه جنگ و تجاوز، کشتار، بی ثباتی سیاسی، بی امنیتی، فقر، بیماری، اعتیاد و رکود اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نقض حقوق انسانیست.

فعالتهای نظامی و ملکی ناتو، امریکا و پُر قدرت ترین کشورهای جهان از هشت و نیم سال بدین سو به سوی وخامت بیشتر اوضاع کشور و منطقه سیر کردند. برماست، تا به حیث بخشی از نیروهای مترقی و دموکراتیک کشور به بررسی دقیق و عینی این اوضاع بپردازیم و در پرتو آن وظایف خویش را در این برهه از تاریخ کشور معین سازیم:

### ۱- در عرصه سیاسی - حقوقی،

بر همه گان آشکار است، که لشکرکشی ناتو بر کشور زیر شعارهای مبارزه علیه تروریسم، القاعده، برجیده شدن بنیادگرایی و توحش طالبی، استقرار دموکراسی، بازسازی و انکشاف سریع اقتصادی - اجتماعی، افغانستان، جلوگیری از کشت، تولید و قچاق مواد مخدر و دفاع از حقوق زن راه افتاد. این شعارها که ممثل نیازها و مطالبات برحق و تاریخی مردم رنجکشیده افغانستان بودند، از سوی مردم و برخی از تکنوکراتها، محافل سیاسی و روشنفکران مقیم غرب با خوشبینی استقبال گردیدند. حلقات و سازمانهای متعلق به چپ دیروزی افغانستان در قبال این شعارها برخورد یک سان نداشتند. اکثریت آنها، به خوشبینی عمومی پیوستند و زیر تبلیغات عمومی امریکا - ناتو و به ویژه زیر تأثیر موضعگیری کشورهای اروپایی، از کنفرانس بن حمایت کردند. نهضت آینده افغانستان و برخی سازمانهای چپ دموکراتیک دیگر، **ناهمخوانی شعارهای نامبرده را با ماهیت نیروهای جدید حاکم**، برجسته ساختند. حاکمیت جدید تحت اداره مستقیم امریکا - ناتو، عمدتاً از ترکیب قوماندانهای جهادی، تکنوکراتهای وابسته به غرب و برخی روشنفکران پرورش یافته در ساحه ایدئولوژیهای ضد کمونیستی به وجود آمد. این نیروهای متعلق به یک بینش قرون وسطایی در چوکات قانون اساسی ماهیتاً متضاد و پُر از تناقض، که بازتابدهنده این بینش است، بر سرنوشته کشور حاکم شدند. تناقض اساسی نظام جدید، تناقض بین شعارهای اولیه و ماهیت حاکمیت بود. فورمالیزم دموکراتیک نظام با ماهیت غیردموکراتیک عاملان نظام، در تضاد قرار گرفت و مانع اساسی تحقق اهداف ارایه شده از سوی جامعه بین المللی گردید. افزون بر این تناقض، برنامه انکشاف اقتصادی کشور بر اساس یک لیبرالیزم لجامگسیخته، تکیه بر بازار آزاد و اقتصاد خصوصی، به حراج گذاشتن نهادهای اقتصادی دولتی و ثروتهای طبیعی کشور، نادیده گرفتن

بازبودن پلنوم شورای مرکزی نهضت آینده افغانستان، به روی سازمانهای دیگر و شخصیتهای مستقل جنبش دموکراتیک، گواه بارز برخورد مسؤولانه و سازنده نهضت آینده افغانستان برای وحدت جنبش چپ است.

چرا عرصه سیاسی در جریان تقریباً یک دهه یک سره در اختیار ارتجاع قرون وسطایی قرار دارد؟ این پرسش، مستقیماً به ما و شما بر میگردد. باید صادقانه اعتراف کنیم، که نبود الترناتیف دموکراتیک و مترقی در برابر ارتجاع حاکم کنونی، ناشی از فقدان ظرفیت تاریخی چپ افغانیست، که نتوانست از شکست و فروپاشی درسهای لازم را استخراج نماید و خود را به موقع بازسازی نماید.

اگر مسؤولیت مستقیم وضع فاجعه بار زنده گی مردم به دوش مجربان امروزی قرار دارد، رهروان جنبش دموکراتیک افغانی نیز مسؤولیت‌های معین خود را دارند؛ برخی از بازمانده های چپ دیروز تنها به برشمردن ناکامیهای حاکمیت امروزی و گسترده بودن عکسهای رفیق شهید داکتر نجیب الله در کوی و برزن شهرها، دل خوش کرده اند و در نهانی ترین لایه های ضمیر خود، برگشت بر اریکه قدرت را خواب میبینند.

### بنگریم وضع چپ امروزی از چی قرار است؟

حزب وطن (ح. د. خ. ا.) به حیث بخش آرگانیک حزب - دولت دموکراتیک افغانستان، از هم فروپاشید. آن نظام به حیث برهه یی از تاریخ کشور همراه با دستاوردها و کاستیهایش دیگر به گذشته تعلق دارد. جای تعجب فراوان است، که هنوز برخی از اعضای حزب وطن - حزب دموکراتیک خلق افغانستان، پایان تاریخی آن حزب را نمیپذیرند. از آن جا که حزب در خاطره فردی و دسته جمعی ما کماکان وجود دارد، آنان وجود ذهنی را زمینه عینی برای شکل دوباره آن حزب تلقی میکنند. اما، با تأسف این یک توهم محض است! امروز بیش از سی سازمان از بقایای کادری حزب دموکراتیک خلق افغانستان (حزب وطن) به وجود آمده است. تقریباً هفت سال میشود که این سازمانها در محدوده های معین مهاجرت یا در شرایط دشوار داخل کشور با دشواری فعالیت دارند. هرکدام بر بنیاد یک برداشت معین از وضع، برای دستیابی به یک موقعیت خاص در عرصه سیاسی، راه برگزیده خود را درست، اصولی، دموکراتیک و مطابق نیازهای مردم و به ویژه «منطبق با وضع» معرفی میکنند. اما انبوهی از اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان، (حزب وطن) که هنوز به آرمانهای آغازین چپ دیروز وفادار باقیمانده اند درحاشیه این سازمانها، منتظر حادثه دیگری اند، تا به آن پیوندند و یا از آن حمایت کنند: **ایجاد یک سازمان واحد سراسری**. برخیها هم بسیار صمیمانه و دلسوزانه میگویند: «رفقا، شما با هم جور بیایید، ما با شما هستیم!» اگر مسایل را از زاویه این روحیه مطرح کنیم، این پرسش جان میگیرد که چرا رهبران و کادرهای ارشد یا برخی از رهبران و شماری از کادرهای ارشد حزب وطن پس از اضمحلال حزب - دولت، در گرماگرم رویدادها که هنوز ساختارهای منظم حزب وجود داشتند، به تداوم مبارزه متشکل نپرداختند و حزب را از فروپاشی کامل نجات ندادند؟ اگر ذهنیگری نکنیم و وجود بیش از سی سازمان امروزی و غیرمتشکل بودن اکثریت اعضای آن حزب را با مجموع گرایشهای درونی آن در نظر بگیریم، به این نتیجه میرسیم، که آن حزب با آن ساختار دولتی و با آن پیوندهایش با قدرت دولتی و قوای مسلح کشور، زمینه های عینی تداوم حیات خود را از دست داده بود و باید موازی با

سرمایه گذاری در بخش زراعت کمتر از یک در صد را تشکیل میدهد، این در حالیست، که ۸۰ در صد جمعیت کشور برای معیشت شان به شدت به زراعت متکی اند؛ حدود پنج میلیون انسان کشور به قلت موادغذایی رو به رواند؛ بیشتر از یک میلیون طفل خورد سال و بیشتر از نیم میلیون زن به دلیل سوء تغذی با خطر مرگ مواجه اند.

اوضاع امنیتی طی ششماه اخیر بدتر شده است و خشونتها به اوج تازه رسیده، تنها در هفته اول ماه جون ۲۰۰۹ بیش از ۴۰۰ مورد حمله توسط بنیادگرایان مذهبی و طالبان روی داده است. جنگ و خشونت بیشترین قربانیهای خود را از بین افراد ملکی میگیرند، بر اساس ارقام رسمی منابع معتبر جهانی (اکسفام) از جمله ۵۰۰۰ نفری که در سال ۲۰۰۸ در جنگهای افغانستان کشته شده اند، ۵۰ در صد آن مردم غیرنظامی بوده اند. ارقام واقعی به مراتب بالاتر از این است.

طبق دستور بارک اوباما، به بهانه تأمین امنیت روندی که زیرعنوان «انتخابات ریاست جمهوری افغانستان» راه افتاده است، اعزام ۲۱ هزار سرباز تازه امریکایی آغاز گردیده است و تا آخر سال جاری تعداد نظامیان امریکایی به هفتاد هزار تن خواهد رسید. امریکا میخواهد، جنگ افغانستان را امریکابیزه نماید؛ طبق آخرین اطلاعات پنتاگون به بهانه تأمین امنیت انتخابات افغانستان در نظر دارد ۱۰۵۰۰ تن سرباز جدید به ولایت هلمند اعزام نماید و بدین ترتیب برای بار اول از آغاز عملیات نظامی امریکا - ناتو در افغانستان تعداد نظامیان امریکا بر نظامیان انگلیسی درهلمند افزایش مییابد. (تقریباً ۸۰۰۰ نظامی بریتانیایی درهلمند مستقر اند)، هدف جابه جایی قطعات نظامی امریکا در ولسوالیهای بادامچه، ناوه و گرمسیر ولایت هلمند که از مناطق مهم و استراتژیکی به شمار میروند، روشن است؛ امریکا میخواهد مناطق کلیدی جنوب افغانستان (هم سرحد با ایران و بلوچستان پاکستان) را تحت فرماندهی و کنترل نظامی کامل خویش قرار دهد و کار ایجاد پایگاههای نظامی دائمی خویش را تسریع بخشد.

**در چنین شرایطی، عرصه سیاسی، عرصه تعیین کننده سرنوشت کشور است.** بیش از هشت سال بدین سو، این عرصه یک سره از اختیار مردم افغانستان خارج گردیده است. گروههای دموکرات و ترقیخواه کشور که خواهان سهمگیری در حیات سیاسی اند، وسایل لازم را جهت ایجاد تشکلهای اثرگذار در اختیار ندارند. انتخابات پارلمانی بدون شرکت احزاب و سازمانهای سیاسی، به معنای بازگذاشتن راه برای افراد بانفوذ بوده است. عرصه سیاسی به گونه یی سازمان یافته است، که عملاً در اختیار ارتجاع قرون وسطایی تحت فرمان ناتو - امریکا قرار داشته باشد.

پیوندهای قومی، قبیله یی و زبانی، سمتی به معیارهای جدی تعلقهای سیاسی مبدل گشته اند. این رویکرد به روابط شجره یی، گواه دیگری از تناقضهای بنیادی در افغانستان است؛ چگونه میتوان از انکشاف متوازن اقتصادی - اجتماعی، پیشرفت و ترقی و جهان مُدرن سخن زد، در حالی که معیار عملکرد مراکز قدرت، وابسته گیهای تباری باشد؛ چگونه میتوان از تعمیق دموکراسی که بر اصل مفهوم «شهروند» استوار است، صحبت کرد، در حالی که تعلق زبانی و قومی معیار با اعتبار باشد؟!

رفقا، دوستان گرامی، همین نمایش کلی وضع کافیسیت، تا نظام حاکم بر کشور را هم از نگاه ماهیت و هم از نگاه شکل تصویر کرده باشیم و اما

نابرابریهای طبقاتی و فاصله میان فقر و ثروت وسیعتر و ژرفتر میشود، گرانی، بی سرپناهی، عدم دسترسی به امکانات آموزشی و پرورشی به گونه روز افزون دامنگیر بخشهای بیشتر مردم و خانواده های زحمتکش میگردد.

و حلقه‌ها همراه خواهد بود. البته این امتیازدهیها تا جایی مقدور اند، که حرکت وحدت را در جنبه‌های اثباتی آن تحکیم بخشند، نی این که آن را از ماهیت اجتماعی و هویت جانبدارانه سیاسی آن به نفع مردم - که برهان وجودی آن است - تهی سازند.

## ۲- در مورد انتخابات ریاست جمهوری،

رفقای عزیز،

رویدادهای اخیر سیاسی در کشور به محور به اصطلاح انتخابات ریاست جمهوری می‌چرخند. این رویداد فرصت مناسبی را برای بحث سازنده برای جنبش چپ پیش کشیده است، تا موضوع "دموکراسی و انتخابات" را مورد بررسی قرار دهد.

جنبش مترقی و پیشرو جهانی در جریان سده بیست، دموکراسی و مراجعه به آرای عمومی مردم را به حیث وسایل احراز قدرت سیاسی جهت تحقق تغییرهای بنیادی اقتصادی - اجتماعی، پذیرفت.

در کشورهای پیرامونی سرمایه داری نیز مبارزه علیه رژیمهای خودکامه، دیکتاتوریه و نظامهای دست نشانده از اصلهای سرشتی جنبشهای آزادیخواهانه و دموکراتیک بوده است. مردم افغانستان پیوسته علیه استیلاگران و بیدادگران قرون وسطایی به جدل برخاسته اند. دموکراسی واقعی که بتوان از طریق عملکرد آن، اراده واقعی مردم را در عرصه قدرت تبارز داد، از آرمانهای همیشه گی جنبش چپ، دموکراتیک و مترقی افغانستان بوده است و نهضت آینده افغانستان با پیگیری در راه تحقق آن مبارزه میکند. مبارزه برای دموکراسی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جز جدایی ناپذیر مبارزه برای تحقق عدالت واقعی اجتماعیت. نهضت آینده افغانستان، راهها و شیوه های دموکراتیک رسیدن به هدف را مناسبترین شکل مبارزه برای جنبش چپ دموکراتیک افغانی میپندارد.

انتخابات دموکراتیک مبتنی بر قوانین دموکراتیک، پیشفرضهایی برای مشروعیت نتایج انتخابات اند. با تأسف در نظام انارشیک امروزی کشور

زمینه های واقعی برای تبارز دادن اراده مردم و به گرسی نشاندن خواستها و مطالبات توده های ملیونی هموطنان ما وجود ندارد.

انتخابات راستین دموکراتیک مستلزم شرایط زیر است:

- عدم مداخله قدرتهای خارجی؛
- وجود یک دولت دموکراتیک مبتنی بر قوانین عادلانه؛
- تساوی حقوق اتباع که از سوی قانون تضمین گردیده باشد؛
- وجود امکانهای عملی برای شرکت آزادانه در مباحثات و ابراز نظرها؛
- تأمین شرایط صلح آمیز و نبود فشارها و مضیقه های مذهبی، نظامی، اقتصادی، قومی، جنسی؛

➤ نظارت بیطرفانه از سوی تمام جوانب شرکت کننده از روند انتخابات و جلوگیری از "خرید رأی" به ذرایع گوناگون.

بر همه گان روشن است، که افغانستان امروز فاقد چنین شرایط است! کاندیدی به گرسی ریاست جمهوری خواهد رسید که از حمایت امریکا - ناتو برخوردار باشد، قوای مسلح کشور را با عمده ترین شبکه های مسلح و

فروپاشی قدرت دولتی، فرو میپاشید. تلاش در جهت احیای آن حزب، یک تلاش عبث و بیهوده است، که وقت و انرژی جنبش را به طور بی لزوم مصرف میکند.

پس امکانی که در برابر بازمانده های جنبش قرار داشت، این بود، تا بر

## اساس یک تحلیل واقعه‌گرایانه از تاریخ خود از فروپاشی سوسیالیسم

دولتی، از سرگذشت جنبش جهانی کمونیستی و کارگری، از دستاوردها و شکستهای خود، از اشتباهها و کجرویههای خود، با شهامت تمام نوسازی خود را در عرصه های ایدئولوژی، سیاست، ساختار سازمانی، ماهیت پیوندها و روابط اعضا در درون سازمان، نورمها و ضوابط زنده گی سازمانی، اهداف استراتژییک و مقطعی و دهها موضوع بنیادی دگر، مطرح میکردند.

فعالیت نه سال گذشته نهضت آینده افغانستان گواهی میدهد، که سازمان ما در این زمینه همه جانبه تلاش کرد؛ ولی، با تأسف چنین تلاشها به دلایل گوناگون تاکنون به نتایج مورد نظر منتهی نگردیده اند.

نهضت آینده افغانستان، تقریباً دوسال پیش طرح دعوت مجمع نیروهای چپ، دموکراتیک، مترقی و صلحخواه را پیش کشید، تا از طریق آن یک بحث سازنده دسته جمعی صورت میپذیرفت و یک پلتفورم سیاسی برای تشکل نیروهای مترقی در یک سازمان واحد ارایه میشد. با تأسف برخی سازمانها از این طرح استقبال شایان نکردند و حتی به تخریب آن پرداختند. ما برآنیم که اگر نیروهای چپ و مترقی واقعاً خواهان مبارزه برای بهروزی مردم اند و در خط دفاع از منافع زحمتکشان و ارزشهای انسانی و دموکراتیک قرار دارند، راه دیگری جز گفتگو و بحث برای دستیابی به یک تشکل بزرگ سیاسی ندارند. وجود بیش از سی سازمان متوسط و کوچک که همه خود را دموکراتیک، مترقی، مردمی و پیشرو اعلام میدارند، واقعیت تلخیت، که تا دیر زمانی مانع دسترسی مردم به مطالبات و خواسته های اساسی شان میگردد. نشانه هایی در دست است، که روحیه ایجاد یک سازمان واحد چپ دموکراتیک دارد به یک خواست اساسی و مبرم در اکثریت سازمانها مبدل میگردد. البته نادیده انگاشتن اختلافها و حتی دیدگاههای متضاد بین برخی از این سازمانها دور از واقعیت خواهد بود، ولی تماسها و اقدامهای وحدت جویانه یی که در دوام یک سال گذشته جریان دارند، نشان میدهند که زمینه های جدی توافق بر سر یک پلتفورم واحد سیاسی - اندیشه یی - سازمانی نیز وجود دارند که عمدتاً از سوی صفوف و کادرهای سازمانها تبارز داده میشوند.

کسانی که فکر میکنند، در یک محاسبه عددی میکائیکی مواضع هژمونیک را به دست می آورند، اشتباه بزرگ سیاسی را مرتکب میشوند. مواضع درست و دوامدار در عرصه سیاست، نی بر اساس تعدد اعضا، بل بر اساس ماهیت موضعگیری سیاسی در رابطه با منافع مردم تعیین میگردد. تنها

## کیفیت، قطب جاذب جنبش است، نی کمیت و سیاهی لشکر!

مواضع صادقانه سیاسی، مدافع منافع مردم، روشنفکران مترقی و توده های مردم را به سمت حزب میکشانند، نی کمیتهای موقت میکائیکی! جنبش مترقی کشور نیازمند یک تحول کیفیت، تا بتواند از پراکنده گی امروز به سوی یک تشکل مؤثر گام بردارد.

چنین است رفقا و دوستان گرامی، مشکل اساسی در وضعیت چپ افغانی! تشکل در یک سازمان واحد ناگزیر با امتیازدادهایی از سوی تمام سازمانها

وضع اقتصادی مردم، به ویژه لایه های پایینی جامعه رو به وخامت گذاشته از جمله ۱۵ میلیون جمعیت مستعد به کار بیشتر از ۴۰ در صد

آن بیکار اند.

روشن طبقاتی و ضد امپریالیستی شان امروزه نیز در زیر سایهٔ بمب افکنهای ناتو و امریکا، با قرار گرفتن در ردیف کرزیها، وجاهت جنبش انقلابی کشور را می فروختند، به خاطر آنان و رزمندگان راستین آن حزب توهین میکنند.

البته حزب دموکراتیک خلق افغانستان، کاستیهای فراوان داشت، ولی هیچ گاهی در بازیهای عوامفریبانهٔ ارتجاع و امپریالیزم علیه منافع خلق افغانستان قرار نگرفت. الگوبرداری برخیها از موضعگیری رهبران حزب در آن روزگار کاملاً نادرست است.

### ۳- کار مشخص به سوی وحدت نیرو های چپ، دموکراتیک و ترقیخواه کشور،

رفقای عزیز،

بیباید روی مسألهٔ اساسی جنبش مکت کنیم و راههای مشخص حل آن را جستجو کنیم. برای برون کشیدن کشور از وضع فاجعه بار کنونی باید در وضعیت سیاسی حضور داشت و برای حضور داشتن در وضعیت نخست باید یک وسیلهٔ سیاسی مدرن یعنی یک حزب نیرومند دموکراتیک، مترقی، روشنگر و پیشرو در اختیار داشت. ما راه مشخص ایجاد چنین سازمانی را به این شکل پیشنهاد میکنیم؛

۱- کنفرانس نماینده گان باصلاحیت رهبریهای سازمانهایی که علاقه مند ایجاد یک سازمان چپ دموکراتیک اند، دایر گردد. در این کنفرانس ضرورت و مسایل ایجاد یک سازمان سراسری مورد بحث و تحلیل قرار گیرد؛

۲- در سطح جنبش، مجمع نیروها، حلقات و افراد چپ، مترقی و دموکرات دعوت گردد. در این مجمع مسایل اندیشه یی - ایدئولوژیک، اهداف استراتژییک و مقطعی، نورمها و ضوابط زنده گی درون سازمانی و دیگر مسایل اساسی مورد بحث قرار گیرد. مجمع خطوط کلی یک پلتفورم اندیشه یی - سیاسی را برای سازمان واحد تدوین کرده، آن را به معرض آرای عمومی جنبش بگذارد.

۳- از پی این دو اقدام، کنگرهٔ اساسگذار سازمان واحد سراسری با اتکا به پلتفورم اندیشه یی - سیاسی - سازمانی دعوت گردد. ما برآنیم، که با برخورد مسؤولانه و صادقانه میتوان به این اهداف دست یافت. سازمان ما تاکنون با برخی از سازمانهای چپ اقدامهای مشخصی را برای متمرکز ساختن توجه جنبش به سوی اهداف نامبرده، راه انداخته است. ما از تمام رفقا، در هر جا و هر سازمانی که قرار دارند، مطالبه میکنیم، تا این پیشنهادها را مورد توجه قرار دهند و جهت تحقق آن ها جنبش واقعی چپ افغانی را یاری رسانند.

مافیایی در کنار خود داشته باشد، تعلق قومی خود را به حیث ضمانت پایداری کشور جلوه دهد، امکانهای مالی امریکا - ناتو، مافیای موادمخدر، قشر جدید ثروتمندان و وسایل بزرگ تبلیغاتی را در خدمت داشته باشد و از امکانهای دولتی به سود تبلیغات خود استفاده نماید.

حمایت سازمانها، متنفذان جهادی، سران اقوام و قبایل، تکنوکراتهای وابسته به امریکا - ناتو و برخی از ثروتمندان از کرزی در بدل کرسیها و امتیازهای ناموجه، پرده از موقعیت تلخ تداوم قدرت ارتجاع قرون وسطایی بر میدارند. از آن جا که نیرو های چپ، دموکراتیک و مترقی نتوانستند، یک الترناتیف واقعی را برای نظام تدارک ببینند، شرکت کردن در انتخابات جاری ریاست جمهوری به معنای پذیرفتن ماهیت نظام است. نظام غیردموکراتیک و وابستهٔ کنونی را یک نظام دموکراتیک جلوه دادن به مراتب به ضرر جنبش و نیازهای مردم است، تا پیش کشیدن شعار «شرکت در انتخابات برای تقویت جنبش دموکراتیک»! مشروع ساختن یک نظام ضددموکراتیک و غیرمردمی، یک نظام وابستهٔ ارتجاعی از طریق صندوقهای رأی و سهمگیری در این بازی باعث تقویت و نهادینه شدن تاریخی ارتجاع حاکم میگردد و این از هر سو که به آن بنگریم و هرگونه تحلیلی که از آن ارایه بداریم به ضرر مردم، به ضرر جنبش و به ضرر دموکراسی و ترقیست. پس شعارشرکت در انتخابات برای تقویت جنبش دموکراتیک با وضع عینی امروز جامعهٔ افغانی سازگاری ندارد و اگر خط سیاسی نباشد، یک عمل کاملاً عوامفریبانه در جهت تقویت ارتجاع حاکم کنونی که حتماً است.

برخیها استدلال میکنند، که جنبش انقلابی همیشه از انتخابات برای تبلیغ استفاده کرده است. برخیها هم شرکت حزب دموکراتیک خلق افغانستان را در انتخابات دروهٔ سیزدهم شورای ملی مثال می آورند.

این دوستان متوجه نشده اند، که هر وضعیت سیاسی یک وضعیت یگانه، تکرار ناشدنی و مشخص است، که از ترکیب نیروهای متخاصم یا مخالف درگیر سیاسی در بستر ویژهٔ انکشاف مبارزات طبقاتی، در متن شیوه های تولید و زیست، در یک مقطع از تاریخ معنوی - فرهنگی یک جامعه، شکل میگیرد. ح. د. خ. ا. به حیث بزرگترین سازمان سیاسی آن روزگار، با داشتن تکیه گاه نیرومند بین المللی درهمجواری افغانستان، با پیش کشیدن شعار جبههٔ ضدفیودالی و ضد امپریالیستی، در موقعیتی که دولت شاهی از انوریتهٔ رسمی در سراسر کشور برخوردار بود و کشور تحت اشغال قرار نداشت، برای برچیده شدن نظام در انتخابات شرکت کرد، نی برای تداوم بخشیدن آن!

کسانی که تبلیغ میکنند، که گویا رهبران آن حزب، با آن موضعگیریهای

#### فشردهٔ سخنرانی رفیق عصمت نابیخ، منشی فدراسیون دنمارک نهضت آیندهٔ افغانستان

در پلنوم باز و وسیع شورای مرکزی ن. آ. ا.

۲۷ - جون - ۲۰۰۹ م. کشور دنمارک

رفقا، دوستان و مهمانان محترم اشتراک کننده در پلنوم باز و وسیع نهضت آیندهٔ افغانستان؛ امیدوارم که سلامهای گرم مرا به نمایندگی از اعضا، هواخواهان ودوستان نهضت آیندهٔ افغانستان که درین سالن در کشور دنمارک گرد هم جمع شده اند بپذیرید. هم چنان بدینوسیله تشریف آوری و اشتراک شمارا درین نشست تاریخی خیر مقدم میگویم. من به نماینده گی از مدعوین، گزارش اساسی را که توسط رفیق عبدالله نابی

رییس نهضت آیندهٔ افغانستان ارایه گردید تأیید نموده و فدراسیون نهضت آینده در دنمارک تعهد میسپارد که در راه تحقق وظایف و اهداف که در گزارش اساسی بیان گردیده، و نهضت آینده در سرخط وظایف خود قرار داده است با تمام انرژی و توان کاری تلاش خواهند نمود.

در خاتمه فدراسیون دنمارک نهضت آینده یکبار دیگر مؤفقت تمام رفقا و اشتراک

کننده گان در کار پلنوم امروزی را خواهان است. تشکر از

## قطعهنامه

## پلنوم وسیع و باز شورای مرکزی نهضت آینده افغانستان

مؤرخ ۲۷ جون ۲۰۰۹

۲- طرح مجمع نیروهای چپ، مترقی، دموکراتیک و صلحخواه، به حیث مقطع اساسی برای ایجاد یک سازمان سیاسی سراسری مترقی، یک اقدام به موقع و ضروری برای نیروهای مترقی کشور محسوب میگردد. بایدکار برگزاری آن سرعت یابد.

۳- نهضت آینده افغانستان باید در جهت همسوسازی نیروهای واقعی چپ و دموکراتیک از تمام ابتکارهای سازنده و اقدامهای مؤثر استفاده کرده، زمینه های عملی ایجاد پیوندهای تازه بین سازمانها، حلقات و گروههای چپ و دموکراتیک کشور را جستجو نموده، بر مواضع روشن اجتماعی، سیاسی و اندیشه‌ی، بدون لغزش و سطحی‌نگری سیاست‌بازانه و معامله‌گرهای ویرانگر با ارتجاع کهن، تکیه نماید. دفاع از منافع زحمتکشان افغانستان، به حیث اصل عدول ناپذیر و مرامنامه‌ی نهضت آینده افغانستان محراق فعالیت‌های سیاسی سازمان را تشکیل میدهد. تلاش شود، تا این اصل به موضع اساسی تمام جنبش دموکراتیک مبدل گردد.

۴- دموکراسی واقعی که ممثل آرای مستقیم مردم است، به حیث یک اصل جهانشمول در اهداف نیروهای مترقی و دموکراتیک قرار دارد. نهضت آینده افغانستان با پیگیری از آن دفاع کرده، جهت تحقق آن مبارزه میکند. سؤ استفاده عوامفریبانه از نام دموکراسی جهت پوشانیدن ماهیت نظام ارتجاعی قرون وسطایی و مافیایی کنونی جزئی از نیرنگهای ارتجاع است، که باید همه جانبه آن را افشا کرد. انتخابات پوشالی ریاست جمهوری، در شرایطی که حاکمیت کشور در اختیار امریکا - ناتو قرار دارد، بازی بیست که اذهان عامه را از مسایل اساسی زنده گی مردم منحرف ساخته، برای نظام قرون وسطایی یک سیمای دموکراتیک می‌تراشد. تحریم فعال این نوع اقدامهای عوامفریبانه یگانه روشیست که جنبش را از ارتکاب اشتباه و همکاری با پروژه های نظام و امریکا - ناتو حفاظت میکند.

پلنوم وسیع و باز شورای مرکزی نهضت آینده افغانستان به منظور بررسی اوضاع کشور، تحلیل وضعیت جنبش چپ افغانی و طرح مسایل مربوط به موضوعگیری جنبش مترقی در قبال "انتخابات ریاست جمهوری افغانستان"، دایرگردید. در این پلنوم افزون بر اعضای شورای مرکزی و فعالان نهضت آینده افغانستان، نماینده گان برخی از سازمانهای مترقی، شخصیت‌های مستقل چپ دموکراتیک کشور نیز اشتراک نموده بودند. پلنوم در فضای گرم رفیقانه، اعتماد متقابل، احساس مسؤولیت در برابر زنده گی و سرنوشت مردم افغانستان و اعتلای جنبش دموکراتیک کشور، به بررسی مسایل مطروحه در آژندا پرداخت.

مجموع شرکت کننده گان بر ضرورت همسویی و وحدت نیروهای چپ و دموکراتیک کشور در یک سازمان واحد سراسری به حیث یگانه راه، جهت ایجاد یک الترناتیف دموکراتیک در برابر حاکمیت ارتجاعی - مافیایی کنونی که وضع فاجعه باری را بر کشور تحمیل کرده است، تأکید کردند.

پلنوم اعتلای چپ افغانی را به مثابه یک حرکت عظیم اندیشه‌ی - سیاسی کلید حل معضلات تاریخی افغانستان در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، ایدئولوژیک، سیاسی و فرهنگی دانسته، تداوم حاکمیت ارتجاع قرون وسطایی را تحت حمایت ناتو - امریکا فاجعه‌ی برای حال و آینده کشور تلقی کرد.

بازبودن پلنوم شورای مرکزی نهضت آینده افغانستان، به روی سازمانهای دیگر و شخصیت‌های مستقل جنبش دموکراتیک گواه بارز برخورد مسؤولانه و سازنده نهضت آینده افغانستان برای وحدت جنبش چپ است. شرکت کننده گان از این ابتکار تاریخی با گرمی استقبال کردند و علاقه مندی شان را برای تعمیم این تجربه ابراز کردند.

پلنوم به طور مشخص تصویب کرد:

۱- گزارش هیئت اجراییه شورای مرکزی نهضت آینده افغانستان، که تصویر موجز و روشنی از وضعیت کشور و جنبش چپ و موضوعگیری در قبال مسایل سیاسی کشور ارائه کرد، تأیید است.

## متن سخنرانی رفیق طارق پیکار منشی فدراسیون هالند ن. آ. ا.

## در پلنوم وسیع شورای مرکزی ن. آ. ا.

مؤرخ ۲۷ - جون ۲۰۰۹ م

مبنی بر تدویر پلنوم وسیع شورای مرکزی به خاطر تحلیل وضع سیاسی کشور و چشم اندازهای وحدت نیروهای چپ دموکراتیک و مترقی کشور، اظهار پشتیبانی نموده اند.

رفقای عزیز، اعضا و فعالان نهضت آینده در فدراسیون هالند، مبتنی بر اصولی ترین طرحی که شورای مرکزی نهضت آینده افغانستان، سال قبل جهت تدویر مجمع نیروهای چپ، دموکراتیک و ترقیخواه افغانستان، ارائه نموده است، فعالیت‌هایی را عملاً انجام داده، که نشست تبادل نظر و بحث آزاد پیرامون مسایل وحدت این نیروها به تاریخ ۳۱ جنوری سال جاری، نمونه برجسته آن به شمار

رفقای گرمی، اشتراک کننده گان پلنوم وسیع شورای مرکزی نهضت آینده افغانستان، فعالان و اعضای نهضت آینده افغانستان در فدراسیون هالند، درودهای رفیقانه را به همه رفقای اشتراک کننده در کار نشست امروزی می‌فرستد.

رفقا، فدراسیون هالند، بر اساس فیصله هیئت اجراییه شورای مرکزی ن. آ. ا.، در کار تدویر پلنوم سهم شایسته را ایفا کرده، زمینه اشتراک و سه‌مگیری رفقای دعوت شده را عملاً فراهم نموده است.

شماری از رفقا و دعوت شده گان، بنا بر معاذیر موجه نتوانستند، ما را همراهی نمایند؛ اما، با ارسال پیامها و یادداشت‌های رفیقانه از ابتکار نهضت آینده افغانستان

زنان کشور از حقوق و آزادی‌های شایسته خویش بی بهره اند و گام چشمگیری در راه بهبود وضع زنده گی آنان از جمله مسأله تسجیل برابری حقوقی آن با مردان، لغو ازدواج اجباری، آزادی اختیار شغل و حرفه، آزادی انتخاب شکل لباس، آزادی حق مسافرت، آزادی انتخاب همسر و غیره - نی از طریق وضع قوانین و نی از طریق گامهای اجرایی - برداشته نشده است.

نهضت آینده افغانستان، تحریم فعال انتخابات ریاست جمهوری را اعلام نمود؛ نهضت فراگیر ترقی و دموکراسی، با شرکت فعال در کمپاین انتخابات ریاست جمهوری، از دموکراسی نقابدار حمایت کرد وعده یی هم با صدور اعلامیه ها، از این و یا آن کاندید متعلق به نیروهای راست پشتیبانی خود را ابراز کردند و مثالهای دیگر.

رفقای عزیز،

فدراسیون هالند نهضت آینده افغانستان به این باور است، که پروسه ایجاد یک الترانیف واقعاً دموکراتیک و مشمول ساختن مؤثر آن در وضعیت سیاسی کشور، برای دفاع از منافع انسان زحمتکش و تحت ستم افغان، یک امر حیاتی، ضروری و قابل دسترس بوده، مساعی مشترک و جدیت عمل را به طور صادقانه از همه نیروهای دموکراتیک و مترقی میطلبد.

بدین منظور، باید تدابیر و اقدامهای مؤثر به خاطر نزدیک سازی نیروهای مترقی و دموکراتیک کشور از جانب نهضت آینده افغانستان هر چه زودتر اتخاذ و عملی گردد.

فدراسیون هالند ن.آ.ا. به این عقیده است، که تسریع روند تدویر مجمع نیروهای چپ دموکراتیک، مترقی و صلحخواه افغانستان برای رسیدن به هدف مبرم فوق، یگانه میکانیزم مؤثر و عملی میباشد و تأکید مینماییم، که همه حلقات، گروهها و شخصیتهای مستقل سیاسی دموکرات و مترقی در این پروسه سهم فعال بگیرند. رفقای گرامی، با استفاده از این فرصت، میخواهم آماده گی فعالان و اعضای فدراسیون هالند ن.آ.ا. را به خاطر تطبیق فیصله های این پلنوم، صریحاً اظهار نمایم. ما، با روحیه عالی دسیلین پذیری آگاهانه، حفظ همبسته گی رفیقانه و همکاری همه جانبه با رفقا، سازمانها و حلقات داخل و خارج کشور، در راستای تدویر مجمع نیروهای چپ دموکراتیک و مترقی به خاطر ایجاد یک سازمان بزرگ متعلق به زحمتکشان کشور تعهد مینماییم.

### زنده باد مردم زحمتکش افغانستان

می آید. در کار نشست متذکره نماینده گان شماری از سازمانها و شخصیتهای مستقل علاقه مند به مسایل مطرحه، شرکت داشتند، که جریان مکمل آن قبلاً از طریق ارگانهای نشراتی نهضت آینده افغانستان منتشر گردیده است.

با توجه به نتایج بحثها در چنین نشستها، میشود، اظهار کرد، که امیدواری برای تدویر مجمع نیروهای مترقی که در طرح آن خطوط فکری و دیدگاه های روشن برای ایجاد وسیله مثمر و قوی سیاسی (ساختار واحد سیاسی) برای دفاع از منافع زحمتکشان کشور ما مطرح گردیده، در پراتیک اجتماعی رهروان راستین این آرمان هنوز وجود داشته، که البته با پیگیری و متانت میتوان به آن نایل گردید.

در ضمن پیگیری در راستای تدویر مجمع نیروهای چپ، دموکراتیک و مترقی، باید نیروهای غیر متعهدگر با منافع زحمتکشان است، ارزش قایل شد و از آن هایی که امروز ما در نشستها و کنفرانسهها، پیمان میندند و فردا در معامله با ارتجاع حاکم رفته، متکی بر عنصر خود محوربینی گروهی شان، به تقویت پروسه های ارتجعی جاری به ضرر جنبش دموکراتیک و مترقی عمل میکنند، با هوشیاری سیاسی برخورد نماییم - و به اساس همین استدلال - سعی به عمل آید، تا منافع کل جنبش قربانی معامله گریهای گروهی نگردد.

در اوضاع و احوال کنونی که ارتجاع قرون وسطایی در کشور حاکم و از حمایت همه جانبه ناتو و امریکا برخوردار است، هر نوع یکه تازی و خو محور بینی سازمانها و حلقات مدعی ترقی و دموکراسی در کشور به خاطر سهیم شدن در کمپاین انتخابات ریاست جمهوری، به جایی نرسیده، جز آنکه منافع کل جنبش را در خدمت ارتجاع و حامیان شان قرار دهد.

از دید ما، خوب بود، اگر سه - چهار ماه قبل از آغاز روند انتخابات ریاست جمهوری افغانستان، کنفرانس وسیعی به اشتراک رهبری سازمانها و حلقات دموکراتیک و مترقی کشور به خاطر همسوسازی مواضع سیاسی شان در زمینه دایر میگردد.

متأسفانه، ابتکار این پروسه را هیچ سازمان به دست نگرفت. به همین اساس، پراکنده گی بیش از پیش در میان حلقات و سازمانهای متعلق به جنبش چپ کشور به وجود آمد. از جمله:

## متن صحبت رفیق شمس صمدی، از فدراسیون اطریش ن.آ.ا.

### در پلنوم باز و وسیع شورای مرکزی ن.آ.ا.

دار وارداتی اند، که از تمام امتیازها و مزایای چنین یک دولت اشغال شده غیردموکراتیک سود میبرند و بهره برداری میکنند. در چنین شرایط به راه انداختن اقدامهایی به نام انتخابات ریاست جمهوری تنها میتواند عوامفریبی و خاک انداختن در چشم مردم باشد.

رفقا! به نظر من، بهتر آن است، که احزاب چپ و دموکراتیک خود را با روحیه حاکم در جامعه یی که در آن ارتجاع سیاه جهادی و نیروهای استعمارگر خارجی حکمروایی دارند، عیار نسازند و مطابق دهل آنان نرقصند، بل که برعکس نیروهای حاکمه را مجبور و وادار سازند، که احزاب و نهضت های واقعاً چپ و دموکراتیک را به رسمیت بشناسند؛ تا آنها فعالیت علنی و مبارزه طبقاتی خود را به سود زحمتکشان به طور بایسته و قانونی پیش ببرند و این زمانی میسر است، که همه نیروهای چپ، دموکراتیک و ترقیخواه دست به دست هم بدهند و یک حزب سراسری چپ افغانی را تشکیل داده، زمینه های حضور خود در وضع سیاسی کشور را فراهم ساخته، توده ها را مبارز همراه خود ساخته و با یک نیروی عظیم، داخل کارزار سیاسی شوند. در آن صورت ارتجاع حاکم و حامیان بین المللی شان

دوستان گرامی و رفقای عزیز!

در افغانستان یک دولت مرکزی که بر تمام کشور و باشنده گان آن اعمال نفوذ کند، وجود ندارد. بل که حاکمیت به دست زورمندان محلی، سران جهادی، شبکه های مافیایی و نیروهای خارجیت؛ گذشته از آن دهها ولسوالی به دست طالبان بوده، در یک - چهارم مجموع کشور کاملاً امنیت وجود ندارد. افغانستان عملاً استقلال و آزادی نداشته، یک کشور تحت اشغال است، که کنفرانس بُن و کنفرانسه های بین المللی دایر شده پس از آن، این اشغال را صبغه قانونی بخشید. ما خود به چشم سر مبینیم هر تصمیمی که در افغانستان اتخاذ میشود، به وسیله امریکا دیکته میگردد. نظام حاکم ماهیت ضد دموکراتیک و ضد مردمی دارد. در یک دولت واقعاً دموکراتیک، قدرت سیاسی و حاکمیت به مردم تعلق دارد و این چنین حاکمیت در خدمت تحقق خواسته های زحمتکشان است. در حالی که در دولت و حاکمیت کنونی زحمتکشان و مردم به عقب رانده میشوند و کوچکترین خواست های شان بر آورده نمی شود، صرف یک مشت زورمندان جهادی، تفنگسالاران، صاحبان انجوها، شبکه های قاچاقچیان، تکنوکراتها و قشر سرمایه

پیوستن رزمنده گان راستین راه آرمانهای خلق به «نهضت آینده»، روند تشکل نوین جنبش دموکراتیک را سریعتر خواهد ساخت. تشکل آگاه ترین عناصر وابسته به جریانهای دیروزی چپ در یک سازمان واقعاً دموکراتیک، پیرو و مدرن، یگانه چشم انداز پیروزی مبارزه دادخواهانه خواهد بود.



اصلی خویش که عبارت از: تدویر "مجمع نیروهای چپ، دموکراتیک، مترقی و صلحخواه افغانستان" و ایجاد یک حزب بزرگ چپ افغانستان، یک لحظه هم عدول نوزیم. به پیش در راه وحدت نیروهای چپ افغانی!

مجبور اند با تغییرها و دگرگونیها تن در دهند، زیرا زور توده ها را هیچ دولتی ندارد. به همین اساس، رفقای عزیز، ما در عین حال که در این مقطع زمانی انتخابات کذایی رژیم حاکم در کشور را تحریم میکنیم و اضرار خطرناک، عوامفربانه و دموکراتیک جلوه دادن این رژیم غیردموکراتیک را در همه ابعاد، خصوصاً برای اقشار فقیر و زحمتکش کشور افشا و روشن میسازیم، باید از وظیفه

### متن صحبت رفیق عبدالرشید جانباغ (نماینده با صلاحیت حزب ترقی وطن)

#### عضو هیئت اجراییه شورای مرکزی حزب ترقی وطن و رئیس کمیسیون تفتیش و کنترل شورای مرکزی آن حزب

دوستان محترم:

نخست از همه بهترین سلامها و تمنیات هیئت اجراییه و اعضای شورای مرکزی حزب ترقی وطن را خدمت هریک شما تقدیم میکنم. آرزو دارم که کار پلنوم امروزی شما با اهداف مقدسی که در آجنداء قرار دارد مؤفّقانه به پیش برود.

دوستان محترم،

حزب ترقی وطن مولود وحدت ده حزب و سازمان سیاسی یی مختلف در داخل کشور است همانطوریکه شما امروز شعاری را در اینجا نشر کرده اید که «به پیش به سوی وحدت نیروهای دموکراتیک» ما در سال ۱۳۸۴ چنین شعاری را در داخل کشور مطرح کردیم و اولینبار چهار حزب و سازمان سیاسی کشور با ایجاد شورای انسجام به خاطر ایجاد حزب واحد سراسری افغانستان طی اعلامیه از تمام نیروهای ملی و دموکرات افغانستان چی در داخل و خارج کشور بودند تقاضا به عمل آوردیم که تا به خاطر ایجاد یک حزب واحد سراسری در افغانستان، با هم یکجا شویم.

در طی سه و یا چهار سال گذشته، مبارزاتی که به پیش برده شد، ما میکانیزمی را انتخاب کردیم که در قدم اول یک شورای انسجام را ایجاد کردیم که در این شورای انسجام یک کمیسیون تفاهم را به وجود آوردیم که این کمیسیون تفاهم با تمام نیروهای ملی و دموکرات چپ و حتی راست ملی، صحبتها و مفاهمه های خود را به پیش بُرد. تخنیک کار ما در این بود که با ایجاد توافق، آنها نفر اول و یا نماینده با صلاحیت خود را به شورای انسجام معرفی میکردند و دو نفر دیگر را هم در این شورا معرفی میکردند که در حقیقت همین شورا مرجع تصمیمگیری برای آینده جنبش بود.

ما تا سال ۱۳۸۷ توانستیم که به تعداد ۱۵ حزب و سازمان سیاسی را در شورای انسجام غرض ایجاد حزب واحد سراسری در افغانستان با هم یکجا بسازیم. بالای برنامه مشترک کار کردیم، برنامه و اساسنامه واحدی را به وجود آوردیم، ولی متأسفانه در آخرین تحلیل که ما میخواستیم نخستین کنگره حزب واحد سراسری را دایر کنیم - همانطوریکه در بیانیه دوستان تذکار یافت - بنا بر بعضی عوامل مختلف سیاسی، آنها نخواستند با ما راه را ادامه بدهند. البته اختلافات عمده در مورد برنامه عمل نبود، بلکه نکات نظر سلیقه یی یا تخنیکی باعث عدم تفاهم گردید. به طور مثال بعضی از دوستان مطرح میکردند که باید کنگره ما به شکل یک کنگره دموکراتیک باشد و نماینده گان ما باید از قریه ها انتخابات را آغاز کنند و به همان شکل به سطح ولسوالی، ولایت و بالاخر به سطح کشور. درحالیکه ما زمان حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان نمی توانستیم که در قریه انتخابات را اجراء کنیم، این یک واقعیت عینی است که امروز ما

واقعاً قادر به آن نیستیم و حتی در بعضی ولایتها حال نمیتوانیم فعالیت کنیم. به هر صورت به تعداد ۱۰ حزب و سازمان سیاسی به تاریخ اول قوس ۱۳۸۷ نخستین کنگره وحدت را دایر کرد و حزب واحد سراسری را به نام حزب ترقی وطن که این نام هیچ یک از این ۱۰ سازمان نبود، در کنگره به صورت دموکراتیک تعیین شد. برنامه جدید و اساسنامه به تصویب رسید که خوشبختانه و به افتخار میتوانم یادآور شوم که همین کنگره هم تحت ریاست خودم تدویر یافت و از جمله اولین افرادی بودیم که در این جهت گام گذاشتیم و به یک نتیجه دست یافتیم.

دوستان محترم، همانطوریکه در گذارش داکتر صاحب نایبی خاطر نشان گردید، واقعاً در افغانستان، جزایر متعدد سیاسی که اصلاً از لحاظ برنامه یی کدام اختلافی در بین وجود ندارد، وجود دارد. متأسفانه بحران اعتماد و اختلافهای سلیقوی و شخصی سبب گردیده است که، جنبش چپ دموکراتیک با هم یکجا شود. البته در بعضی قسمتها بحران اعتماد مؤجه است. ما دیروز دوستانی داشتیم که امروز برای تعدادی قابل اعتماد نیستند، اما به هر صورت این تلاشها ادامه دارد و ما نخستین گامهای را در داخل کشور به این جهت برداشتیم.

شما آگاه هستید، فضایی که در داخل کشور مسلط است، نسبت به بیرون از کشور کاملاً متفاوت است. ما توانستیم که برای مردم افغانستان برنامه را رایج بداریم که (البته بنا بر سطح برداشت همین ۱۰ نهاد یا ۱۵ نهاد سیاسی بود) مطابق به منافع ملی مردم افغانستان باشد.

به روز جمعه گذشته، ما پلنوم دوم حزب ترقی وطن را دایر کردیم که به فردای آن من به طرف اروپا مسافرت کردم. پلنوم ما عمدتاً در مورد انتخابات آینده افغانستان بحث کرد. همانطوریکه قبلاً دوستان مطرح کردند، متأسفانه ما در بین همین ۴۱ کاندید ریاست جمهوری افغانستان، گمشده خود را پیدا کرده نتوانستیم. در این مورد عوامل مختلفی وجود دارد و بحثهای طولانی نیز صورت گرفت در پلنوم. بالاخر پلنوم به این نتیجه رسید که به هیئت اجراییه صلاحیت بدهد که تا در مورد سه سوال اساسی که مطرح شد در پلنوم تصمیم اتخاذ نمایند.

۱- شرکت در انتخابات،

۲- بایکات انتخابات،

۳- پشتیبانی از یک کاندید.

در رابطه با کاندیدها بحثهایی صورت گرفت تا بالاخر ما به سه کاندید به صورت مختصر رسیدیم: داکتر صاحب حبیب منگل، داکتر صاحب اشرف غنی احمدی زی و داکتر صاحب عبدالله عبدالله. البته در مورد رئیس جمهور فعلی تصمیم اتخاذ گردید که وی اصلاً قابل پشتیبانی نمی باشد و نباید رأی داد. باید یادآور

عدم وجود یک الترناتیف دموکراتیک و موجودیت انبوه سلاحهای کشنده در دست نیروهای عقبگرا و بر خورداری آنها از حمایت بیرونی و

امکانات مالی سر شار، بخصوص عواید ناشی از مواد مخدر و غیره موجب گردیده تا وضع سیاسی در بست در اختیار ارتجاع قرارداشته باشد.

موجود و موجودیت قوت‌های ناتو را ما تأیید نمیکنیم و یا خیر؟ این سوال خیلی مهمی است برای انقلابیون افغانی. ما دو راه را در پیش داریم: اول اینکه، باید بلند شویم و مسلحانه قیام کنیم، که این اقدام بدون خرابی وطن و از بین بردن نهضت خود ما چیز دیگری به دست نمیدهد. دوم اینکه، ما از کدام شیوه‌ها میتوانیم به خاطر منافع ملی افغانستان، به خاطر نجات انسان زحمتکش افغانستان از فقر، بد بختی و سایر نابه سامانیهای اجتماعی مبارزه کنیم.

دوستان محترم، شما یک موضوع را حتماً متوجه هستید که: ما و شما خواننده بودیم که اختلافات درونی در امپریالیزم وجود دارد که این اختلافات عملاً در افغانستان برملا است. چنانچه در هلمند نیروهای اپوزیسیون دولتی را نیروهای دیگر کمک میکردند. بنأ در داخل افغانستان مشکلات بسیار زیاد است و این مشکلات را همین دوستان شما در داخل کشور تحمل و بدون کدام هراس، با شجاعت، با دلیری و متانت در راه ایجاد حزب سراسری با اشتراک تمام نیروهای ملی و دموکرات افغانستان به پیش میرود. حزب ترقی وطن امروز هم به این اکتفاء نکرده است که ما ده سازمان سیاسی را با هم یکجا کرده ایم، در اولین کنگره اولین پیام ما و فراخوان ما برای تمام نیروهای ملی و دموکراتیک این بود که بیاید تا یک حزب سراسری قویتر را ایجاد کنیم و در همین پلنوم روز جمعه گذشته فیصله به عمل آمد که با دو نهاد سیاسی دیگر هم مذاکرات ما به سطح نهایی رسیده و در همین هفته‌های آینده ممکن با حزب ترقی وطن یکجا شوند و در کنار آن ما جبهه ملی دموکرات را در افغانستان مطرح کردیم، امروز ما همین ۱۵ حزب سیاسی را در یک جبهه ملی و دموکرات با هم داریم که مبتکر ایجاد این جبهه حزب ترقی وطن بود. ولی متأسفانه در قبایل انتخابات، جبهه ملی دموکرات افغانستان هم نتوانست یک موضع واحد و مشترکی را ایجاد نماید.

تعدادی از کاندیداتوری آقای کرزی پشتیبانی کردند، تعدادی هم از اشرف غنی احمدزی پشتیبانی خویش را اعلام کردند و تعداد دیگر هم مانند حزب ترقی وطن موضع خود را تا به حال در اینمورد مشخص ن ساخته اند. سازمان مؤفق جوانان افغانستان در داخل کشور داریم که بیش از ۳۰۰۰۰ جوان را با هم متحد ساخته و به ابتکار آن سازمان در حدود ۲۸ نهاد اجتماعی جوانان با هم یکجا شدند که ما در همین کمپاین انتخابات یک وسیله قوی در اختیار خود داریم.

درخاتمه یک موضوع را به شما اطمینان میدهم که حزب ترقی وطن متشکل از تمام نیروهای سیاسی دیروز است. به یک جناح و یا قوم و یا حزب سیاسی ارتباط ندارد. حتی نماینده‌های مجاهدین هم حالا در حزب ترقی وطن وجود دارد. البته آنانیکه در رابطه به قضایای افغانستان با ما یکسان فکر میکنند و یا نیروهای مأویستی و یا سایر سازمانهای که برنامه ما را قبول داشته باشند، دروازه حزب به روی شان باز است. ما اولین باب وحدت را برای نیروهای ملی و دموکراتیک در داخل کشور باز کردیم. برای از بین بردن بعضی خود خواهیها، ما مطرح کردیم که رهبری دسته جمعی وجود داشته باشد که متأسفانه زمانیکه ما غرض راجستر حزب مراجعه کردیم، آنها از ما اسماء رئیس حزب و اعضای سازمان و . . . را خواستند. تا بالاخر پلنوم ما داکتر صاحب بکتاش را به حیث رئیس حزب، ۹ نفر به حیث هیئت رئیسه حزب، ۱۵ نفر به حیث هیئت اجراییه حزب و ۱۲۵ نفر به حیث اعضای شورای مرکزی حزب ترقی وطن انتخاب شدند. اسمی را که ما برای این حزب انتخاب کرده ایم مربوط به هیچ یک از این ده سازمانی که باهم یکجا شده است نبوده و به اساس دموکراتیک این اسم انتخاب گردیده است. در خاتمه من سلامهای گرم رفقای شما را داخل افغانستان به شما میرسانم و امیدوارم که دوستی و همکاری ما و شما ادامه پیدا کند و تا سطح وحدت حزبی و سازمانی با هم یکجا به پیش برویم. **تشکر از توجه شما.**

شوم که بنابراین عوامل مختلف ما بنابر دلایل مختلف باهم به توافق نرسیدیم که تا از یک کاندید پشتیبانی نماییم.

به هر صورت نزد رفقا در افغانستان دو سوال مطرح بود:

- شرکت در انتخابات (چنانچه یکی از دوستان قبلاً به شکل انتقادی موضوع را طرح کردند) و مطرح کردن حزب در جامعه هم است، با استفاده از این امکان ما بتوانیم حزب خویش را در جامعه مطرح کنیم.

- ما باید از کاندیدی پشتیبانی کنیم که در آینده به حیث یک اپوزیسیون قوی در افغانستان عرض اندام کند. برای اینکه ما در گزارش و تحلیلهای سیاسی خویش در پلنوم ارایه کردیم که: در افغانستان راه مردم تعیین کننده نیست برای انتخاب رئیس جمهور، بلکه رئیس جمهور افغانستان در بیرون از مرزهای افغانستان انتخاب میشود. ما تجاری را از انتخابات گذشته با خود داریم (صندوقها در طیاره از بدخشان بالا میشود و در یک قلعه کوه پایین میشود و تمام ورقهای رأی دهی حریق میشود و در عوض اوراق رأی دهی جدید تهیه و در صندوقها جا به جا و به مرکز شمارش انتقال داده میشود). موضوع دوم اینکه ۱۲ و یا ۱۳ میلیون نفر که واجد شرایط رأی گیری اعلام شده بود، اما ۴۰ میلیون اوراق رأی دهی در افغانستان به چاپ رسیده بود. شما خود نتیجه گیری کنید که این ۴۰ میلیون ورق چرا چاپ شده بود؟ به خاطر اینکه سرنوشت انتخابات را تعیین کند و هرکسی را که آنها بخواهند باید رئیس جمهور شود در افغانستان! بنأ این موضوع روشن است. اما آیا ما میتوانیم که در آینده یک اپوزیسیون قوی را در افغانستان ایجاد کنیم؟ و چطور؟

در چند صحبتی که ما با اشرف غنی احمد زی داشتیم، ظاهراً چنین مطرح میکرد که بلی من تا اخیر خواهیم بود ولی در آخرین تحلیل برداشت ما این بود که نخیر شاید تا اخیر انتخابات هم نخواهند بود.

شما از طریق امکانات انترنیتی میبینید که مسایلی دیگری نیز در افغانستان همزمان و موازی با انتخابات پیش میرود. ایجاد یک ساختار جدید اداری و آوردن بعضی افراد مانند خلیل زاد در افغانستان همین لحظه مطرح است. ایجاد چهار کمیته در کشور مطرح است: کمیته اجرایی، کمیته دفاعی، کمیته اقتصادی و کمیته روابط بین المللی. کاندیدانی که در این چهار کمیته است، یکی آن داکتر صاحب خلیل زاد، جلالی صاحب، داکتر صاحب اشرف غنی و داکتر صاحب عبدالله هستند. دو تن از همین افراد از اشتراک در انتخابات صرف نظر کردند و خود را کاندید نکردند در حالیکه آنها مراکز انتخاباتی خود را نیز ایجاد کرده بودند اما بعداً صرف نظر کردند. به هر صورت نتیجه گیری حزب ما این است که در افغانستان سرنوشت انتخابات را مردم افغانستان تعیین نمی کنند، که این مسأله واضح است. ما امیدواریم که دوستان ما که در خارج از کشور هستند، باید به واقعیت وضع در افغانستان دقیقتر پی ببرند و دوستانی که در داخل کشور، درفش مبارزات انقلابی و دموکراتیک را بلند کرده اند، آنها را باید حمایت بکنند. ما در داخل افغانستان مشکلات و محدودیتهای بسیار زیادی داریم. در قدم اول از لحاظ قانونی ما یک عالم محدودیتها داریم. ما از فعالیتهای سیاسی خود و بزرگان و رهبران گذشته خویش آموختیم که یکی از شیوه های انقلابی، حفظ خود انقلابیون و نهضت انقلابیون در یک جامعه است. طرح سوالی که آیا حاکمیت

رویدادهای اخیر سیاسی در کشور به محور به اصطلاح انتخابات ریاست جمهوری میچرخند. این رویداد فرصت مناسبی را برای بحث سازنده برای جنبش چپ پیش کشیده است، تا موضوع "دموکراسی و انتخابات" را مورد بررسی قرار دهد.

## پیام شورای اروپایی نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان

ارائه کننده: فواد پامیری

کوشیده و پس از استقرار دموکراسی حافظ و حامی و پشتیبان آن باقی بمانند. با مرور و نگرشی بر عملکردهای اندی بیشتر از هشت ماه (۱۱ اکتوبر ۲۰۰۸ میلادی) پس از نخستین نشست حضوری نماینده گان احزاب، حلقات و شخصیت‌های مستقل سیاسی و در ادامه سعی و تلاش به خاطر یکپارچه گی خانواده دیروز سازمانی ما تحت عنوان "تفاهم و وحدت اعضا و سازمانهای ایجاد شده از بدنه حزب ح. د. خ. ا «حزب وطن». " که به اشتراک نماینده گان با صلاحیت سازمانی چون تشکیلات موقت انسجام اعضای حزب وطن، حزب ملی افغانستان، حزب ملی فعالین صلح افغانستان، نهضت آینده افغانستان، نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان و حلقاتی چون کمیسیون موقت تفاهم و وحدت اعضای سابق حزب وطن (ح. د. خ. ا) در شهر هامبورگ، کمیسیون تفاهم و وحدت ایالت ویسبادن آلمان و حلقه اعضای سابق حزب وطن (ح. د. خ. ا) در کشور هالند که طی جلسات متعدد پالتاکی و حضوری در نقاط مختلف در کشور آلمان دایر گردیده و به موفقیت‌هایی هم دست یافته است، حمایت و پشتیبانی خویشرا ازین پروسه ابراز نموده یکبار دیگر به اشتراک کننده گان محترم آن مراجعه مینماییم که به منظور رسیدن به مرحله تکاملتر و نیل به اهدافی که نشستها به منظور آن تدویر می یابند، روی خطوط کلی اندیشوی و یا پلتفورم مشترک و مکانیزم آن توجه بیشتر خویش را مبذول دارند تا باشد زمینه رسیدن به مجمع عالی که خواست همه گان است مساعد گردد. نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان در نفس وجودش همین آمال نهفته است آنچه را که از آغازین راه طی شده به میراث گرفته، آرمانهای توده های ملیونی زحمتکش جامعه ما را تشکیل داده و آنچه نا تمام باقی مانده است باید به حُسن صورت به انجام رساند. با خوشبینی به آینده، خوشبختانه دیده میشود که پروسه وحدتخواهی برغم بطی بودن آن هر روز بیش از پیش طیف وسیعی از نیروها را به این روند پیوند داده و این داعیه به صورت گسترده آن در اعماق قلوب هریک از علاقه مندان، هوا خواهان، نهضت پسندان و سایر آگاهان و نو اندیشان ترقیخواه جا گرفته و طرفدار بیشتری پیدا میکند. آنچه به نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان مرتبط میشود این سازمان همواره سعی میورزد تا درین راستا با درک و درایت کامل و با رعایت اصول مرامی خویش پیشگام باشد و تقاضا دارد تا سایر احزاب و سازمانها و حلقات نیز از صمیم قلب درین مسیر همگام شوند. ما رسالت داریم و مسؤولیت میگیریم، جاییکه سخن بر سر وحدت، یکپارچه گی و همبسته گی نیروهای ملی - دموکرات و ترقیخواه در میان باشد، هرگاه دیگران نیم گامی درین راستا بردارند، ما گامی به جلو خواهیم گذاشت. زیرا ما باهم گذشته های مشترک داشتیم و هنوز هم وجوه اشتراکات مان بر اختلافات تفوق کلی دارد و باید درک کرد که ما انسانهای متعهد و متعلق به خانواده نیروهای ترقی پسند و دموکراتی هستیم که آغازش از قرن بیستم سر چشمه میگردد. نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان نه تنها ازین روند پشتیبانی مینماید بلکه خویشرا درین راستا متعهد دانسته و از پروسه کار کمیسیون تفاهم وحدت و پلینوم وسیع و باز نهضت آینده افغانستان بار دگر حمایت خویشرا اعلام داشته و سهم فعال خود را ادا مینماید.

برای شما رفقای عزیز و گرامی پیروزی های هر چه بیشتر را آرزو مینمائیم.

انجنیر احمد شاه سرخابی

رئیس شورای اروپائی نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان

رفقای عزیز!

برگزاری پلنوم وسیع و باز نهضت آینده افغانستان را به شما و همه کوشنده گان آن صمیمانه تهنیت می گوئیم و امیدواریم که این نشست در انجام وظایفی که بر عهده گرفته موفق باشد. در اینجا لازم است از دعوتی که برای حضور نماینده گان نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان در این نشست به عمل آورده اید صمیمانه تشکر نمایم.

رفقای گرانقدر!

پلنوم در شرایطی تدویر می یابد که ما بیشتر از هرچه با وحدت نیرو های چپ و دموکراتیک، مترقی و دادخواه نیازمندیم. زیرا کشور عزیز ما افغانستان با گذشت هر روز آن چنان در سیاستهای جیو پولیتیک و جیو ستراتیژیک قدرتهای طماع و چپاولگر جهانی کشانده میشود که بیشتر از این نظاره گری در اوضاع و بد بختی ملت بی دفاع ما دور از تقوای سیاسی تلقی میگردد.

به همه گان به صورت اخص به عناصر و نیروهای چپ دموکراتیک معلوم است که ما در حال از سر گذشتاندن بحران فکری استیم که شاید سالهای زیادی را در برگیرد تا به یک نوع نسبی از تفاهم درتفاسیر و برداشتها، از اندیشه های گذشته و حال خود دسترسی پیدا نماییم. تا رسیدن به این مأمول نه تنها راه درازی پیشروست بل مشکلات عدیده نیز سر راه ما قرار دارد که به یقین درایت کامل، مسؤولیت پذیری در برابر اندیشه، گذشت منطقی و صبر و شکیبایی را نیازمند است. هر حرکت به منظور رسیدن به هدف غایی و لو اگر کوچک هم باشد قابل قدر است و نباید دست کم گرفته شود.

رفقای عزیز! تا جاییکه مربوط به نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان به مثابه یک سازمان چپ دموکراتیک میشود، پیوسته در تلاش بوده تا درین راستا رسالت و مسؤولیت تاریخی خویش را به وجه احسن انجام دهد، ولی باید اذعان نمود آن چنانچه گفته شد این راه هموار نیست، هنوز سلیقه ها، زیاده خواهیها، اختلافها که اکثرآ با تفاوتهای اندیشوی ما ارتباطی ندارد و ده ها دلیل دیگر ذهن ما را مشغول ساخته و عامل آن گردیده تا راه رسیدن به این هدف مقدس را سد شود. امروز محک سنجش گروه های سیاسی علاوه بر اصول فکری آنان، درجه مسؤولیت پذیری ایشان در ارایه راه حل برای رفع مشکلات جامعه، توان آنها برای حل مشکلات مردم و اعتقادشان به اهمیت جلب اعتماد و پشتیبانی مردم است. در سی سال گذشته، سیاستهای قدرتها نقش مخربانه یی در جدا کردن بخش هایی از نیروهای مترقی و پیشرو و سرکوب بخشهای دیگر داشته است. در چنین شرایطی کافی نیست یک گروه طرفدار دموکراسی به دنبال سیاستها و اقداماتی برای پیشبرد اهداف خود باشد. چنین گروهی وظیفه دارد ضمن کوشش برای حفظ تشکیلات و اتحاد درونی خود، تحلیلهای دقیق و واقع بینانه یی از شرایط، و ارایه راه های عملی برای غلبه بر مشکلات از طریق همکاری و اتحاد بر محور دموکراسی را نیز ارایه دهد. تحقق دموکراسی و تأمین عدالت اجتماعی در افغانستان بدون همکاری موثر دموکراتهای جامعه محتمل نیست. هدف چنین همکاری ایجاد نیروهایی است که برای استقرار دموکراسی و عدالت اجتماعی

با آنکه نیروهای مترقی و دموکراتیک تا هنوز نتوانسته اند بر اساس یک پلتفورم مترقی، به ایجاد یک ساختار سیاسی دست یابند، ولی تحلیلهای موضعگیریه و تلاشهای ماه های اخیر گواهی میدهند که اکثریت نیروها ضرورت وحدت را در یک سازمان سراسری کاملاً درک کرده اند.

## متن صحبت شفاهی رفیق فواد پامیری، بعد از قرائت پیام نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان

رفقای عزیز،

یک سلسله مسایلی است که باید رفیقانه و صمیمانه طرح شود، چون در نشست امروز تنها نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان است که کاندیدی در انتخابات آینده ریاست جمهوری افغانستان دارد. بناً اگر اجازه باشد، تماسی درمورد صحبت‌های رفقا گرفته شود.

صحبت‌های تمام رفقا جالب بود و بیشتر صحبت‌های رفیق دهقان به دلم نشست. چون در گفتار شان صداقت هویدا بود.

سوال از اینجا آغاز میگردد که رفقا، تا چی حدی ما درگفتار خویش مؤمن هستیم؟ به هراندازه بی که ما نشست کنیم، دور هم جمع شویم و نماینده گان را بخواهیم و به گفته رفیق دهقان عزیز، اعلامیه‌ها و نوشته‌ها داشته باشیم، آنچه را که ما در نهایت هدف داریم به دست نمی آریم. چرا؟ به دلیل این که پروسه وحدت کار تشکیلات سازی نیست. به طور مثال نهضت فراگیر از لحاظ تشکیلاتی ۵۰ نفر و نهضت آینده هم ۵۰ نفر و به همین ترتیب دیگران ... گیرم به دور هم جمع شدیم، تشکیلات ساختیم، آیا وحدتی را که ما توقع داریم به آن رسیده ایم؟ در واقعیت به هیچوجه نی! چرا؟ به خاطر اینکه هریک ما برعلاوه تفاوت‌های سنی، یک دور از مبارزه را پشت سر گذاشته ایم و این دور مبارزه چی بخواهیم و چی نخواهیم بالای ذهن ما حاکم است. یکتعداد از رفقا توانسته اند که از تاریخ و از گذشته بیرون برآیند، واقعیت‌های به اصطلاح حاد جامعه را ببینند و یکعده دیگر ما تا هنوز در تاریخ زنده گی میکنیم، هنوز گذشته برای ما مطرح است، هنوز انقلاب ثور تو مرحله نوین و تکاملی من، تیزس های ده گانه تو و پلنوم ۱۸ من و ... تا به سقوط حاکمیت و همین لحظه که مسأله وحدت است، انتخابات تو و بایکات من و ...

رفقا، واقعیت مسأله این است که با این شیوه، ما راه را به طرف آینده نمی گشاییم. چیزیکه ما به آن واقعاً نیاز داریم اندیشه است، چیزی را که دیروز برای ما خط کشی میکردند و چیزی را که حزب دموکراتیک خلق به ما داده بود، آن همه روی عینیت‌های عینی جامعه همان وقت بود. امروز یک مقدار آن از کارایی افتاده است (روی حقانیت آن صحبت نمی کنیم که داشت یا نداشت؟) در شرایط فعلی کارا نیست. بناً همین بحرانی را که در همین نوشته نیز از آن تذکار رفته بود، علت اساسی همین است. چیزی که ما را از هم دور می سازد همین تفاوت‌های اندیشه بی است. مثلاً یکتعداد همان ۲+۲ = ۴ دیروز را می خواهند نی چیز اضافه و نی چیز کمتر، یکعده دیگر امروز کوچکترین تفکر نو، اندیشه نو را برایشان ارایه بدارید، دفعاتاً تا به مرتجع و چی و چی ... را به شما میزنند.

رفقای عزیز،

در رابطه به مشارکت در قدرت من به این عقیده هستم که «پیشنهاد میکنم به پلنوم باز امروز» در قدم اول طوریکه رفیق دهقان هم پیشنهاد کردند - رفقای ما در افغانستان روی این مسأله کار کرده اند - روی مسایل اساسی که جنجال برانگیز است و روی مسایلی که ما را از نگاه اندیشه از هم جدا میسازد، ابتدا بایدکار صورت بگیرد و درقدم اول اندیشه بی را ایجاد کنیم که تا به صورت نسبی حد اقل برای همه قابل پذیرش باشد و بعداً به دور آن وحدت صورت گیرد. من به نماینده گی از نهضت فراگیر اظهار میدارم که ما همین کار را کردیم و تجربه داریم ناکام ماند و علت آن بود که اول ما تشکیلات را ایجاد کردیم قبل از آنکه اندیشه را ایجاد و به دور آن رفقا را جمع کنیم، دست به ایجاد تشکیلات زدیم و این نادرست بود! چیزی را که ما به نام اصول مرامی درست کردیم خام بود و به قوام خود نرسیده بود! بناً به اصطلاح «یک لباس قورمه بی» را درست کردیم که با

تارهای خام پیوست شده و آن به جان یک رفیق بزرگی میکند و به جان رفیق دیگر تنگی یکی قبول دارد و دیگر قبول ندارد و بسیار احتمال هم دارد که با اندکی فشار از هم بگسلد.

بناً از همه مهمتر مسأله اندیشه است، به طور مثال حرفهای دیروز «مبارزه طبقاتی، طرح طبقاتی، تحلیل طبقاتی از اوضاع» امروز تفسیر نو میخواهد و این تفسیر نو را تا زمانیکه هر جریان سیاسی دوباره ارایه نکند و باز شناسی نکند و تحلیل درست ارایه نکند، ما با همین مشکل طرح طبقاتی و مبارزه طبقاتی باقی خواهیم ماند. همچنان برخورد انقلابی و عدم خشونت. این مسایلی بود که دیروز همه ما و شما را باهم گره میزد، ولی امروز جوابی ندارد و همچنان مشارکت در قدرت و مسأله انتخابات.

مشارکت در قدرت مسأله جدیدی نیست، از لنین گرفته و قبل از آن تا بعد از آن بسیار زیاد تجربه شده است. رفقای ما مانند رفیق صمدی و یا رفیق دیگری که به یکباره گی بالای سازمان که در انتخابات کاندید ارایه کرده است نباید تعرض کرد. این برای همه ما معلوم است که رژیمهای ارتجاعی به خاطر کسب مشروعیت خویش سنگ دموکراسی را به سینه میزنند. این قانون احزاب و ایجاد احزاب و پارلمان، همه کارهایی است که آنها به راه می اندازند. اما نیرویی که واقعاً آرمانش خدمت به ملت است از این وضعیت استفاده میکند و در داخل جامعه چنان کار میکند که سبب خیزشهای اجتماعی میگردد. که میشود ایران را در این عرصه مثال داد. چنانچه برخوردهای که در ایران صورت گرفت و یا همین دختر خانم جوان که کشته شد و نامزدش گفت که خانم نی طرفدار موسوی است و نی ... بلکه طرفدار آزادی است.

رفقا، روی مسأله مشارکت در قدرت بدون آنکه وظیفه ما (رفیق نایبی عزیز این وظیفه ما نیست که به ملت اضافه از این بفهمانیم که آتش میسوزاند تورا) بلکه این باشد که به آنها بفهمانیم، این ملت حال درک کرده است که بلاخره این آتش او را می سوزاند. وظیفه ما این است که به آنها بفهمانیم که چی باید کنند که این آتش او را نسوزاند. ما باید طرح داشته باشیم و ما باید برای آنها راه حل ارایه بدهیم و در داخل جامعه حضور داشته باشیم. ما از بیرون نمیتوانیم که به داخل کشور نسخه بدهیم. البته در این مورد هیچ جای شکی نیست که مبارزات ما و پیکار ما قابل قدر است ولی طوریکه رفیق جانباغ گفتند در داخل کشور ممانعت‌هایی وجود دارد، این واقعیت است، واقعاً ملت ما مریض است و مانند طفلی است که هم مریض و هم ادویه علاج تلخ است و طبیب عاقل آن را شیرین میسازد و به دهنش میگذارد. بیایید که ما و شما هم چنین کنیم مطالب ما که در خور فهم جامعه نیست آن را شیرین بسازیم تغییرش دهیم و به آنها بدهیم. هدف ما در انتخابات نی تنها قدرت است بلکه انتخابات یک وسیله برآمد است و ما به ملت نشان داده میتوانیم که ما زنده هستیم گرچی چیزی برایت کرده نمیتوانیم و اما در کنارت هستیم، تا آنکه ما انتقاد کرده برویم. به قول شاعر:

قلم به شیرینی و تلخی از اذل رفته

تو اگر ترش نشینی قضا چی غم دارد

همین قضا و قدر را که شاعر میگوید به حال افغانستان بگیریم و همین ملتی را که حاکم به سرنوشت خود نیستند و برخلاف همین امریکای چپاولگر که حاکم به سرنوشت آنها است. اگر تو هم ترش نشینی امریکا چی غم دارد؟

برویم رفقا داخل عمل شویم از تحریم فعال ببریم به طرف سیاستها.

این بود پیشنهاد مشخص من و یک دنیا تشکر از همه عزیزان

از آنجا که نیروهای چپ، دموکراتیک و مترقی نتوانسته اند یک الترناتیف واقعی را برای نظام تدارک ببینند، شرکت در انتخابات جاری ریاست

جمهوری، به معنای پذیرفتن ماهیت نظام، هم سویی، با ارتجاع قرون وسطایی و خدمت کردن به پروژها و برنامه های ناتو - امریکا و متحدان منطقه

بی آن است.

## پیام شورای اروپایی حزب ملی افغانستان،

به مناسبت تدویر پلنوم وسیع شورای مرکزی نهضت آینده افغانستان در مورد اوضاع سیاسی کشور، مسایل و چشم اندازهای شکل نیروهای چپ،

## دموکراتیک و مترقی در یک ساختار واحد سیاسی

۲۷- جون ۲۰۰۹م.

رفقای عزیز!

فقط جوامعی به سوی ترقی و اعتلای اجتماعی می‌رود، که افراد آن در راه اهداف بزرگ و مصالح عامه قابلیت و شهامت از خودگذری و فداکاری داشته باشد، چون ما این ارزشها را از یاد برده ایم، ازین جهت سقوط کرده ایم.

بیاید، به حکم جو جدید سیاسی با تمام سنتهای کهنه سیاسی و سیاستمداران کهنه کار برای همیشه وداع نماییم و به ارزشهای چون آزادی، برابری و برادری در سیاست افغانی به مثابه ضرورت حیاتی برای دموکراسی روی بیاوریم! زیرا با همین ارزشها شالوده حکومت ملی گذاشته شده می‌تواند.

رفقا! حزب ملی افغانستان راه دیگری برای ایجاد ارزشهای نوین دموکراتیک، همانا مراجعه به آرای مردم را تشخیص داده است. وقتی حکومت به اساس رای آزاد مردم و انتخابات عادلانه و منصفانه روی کار آید، جایی برای رقابتهای گروهی و تصادمات نظامی آن‌ها و منازعات اتنیکی باقی نمی‌ماند.

رفقای عزیز! عدم ظهور و حضور نیروی متحد و تاثیرگذار دموکراتیک، مترقی و پیشرو در جامعه افغانی، باعث شده است، تا یک گروه قلیل معامله گر و فاسد و یک مافیای بی فرهنگ و بی سر و پا بر سرنوشته خلق ما حاکم باشد، جنگ و خونریزی ادامه یافته و مردم گروگان مشتکی از جنایتکاران حرفه‌ی بی باشد.

به تعقیب اعلامیه‌های متعدد و تلاشهای خسته‌گی ناپذیر در جهت وحدت و اتحاد نیروهای سالم، ملی دموکرات و مترقی، حزب ملی افغانستان طی پیام دومین کنگره خویشت، همه وطنپرستان افغان را فراخوانده است، تا با فرهنگ عقلانی راهها و وسایل پایان بخشیدن به جنگ و خونریزی و بحران ارزشهای انسانی را در سیاست افغانی دریابند.

در پیام کنگره می‌خوانیم: «حزب ملی افغانستان مانند گذشته متعهد و آماده است، تا با احزاب ملی و دموکراتیک و همفکر، بر مبنای اصول دموکراتیک، وحدت دایمی را تأمین نماید. این آرمان سیاسی و ملی در مشی مرامی به مثابه هدف عمده ما ثبت گردیده است. ح. م. ا. به خاطر رسیدن به این آرمان بزرگ متکی بر اصول دموکراتیک، به توجه، باور و احترام متقابل حساب میکند و دستیابی به این مأمول بزرگ و تاریخی را آرزو مینماید» ما باور داریم که در صورت صداقت، اشتراک اهداف دموکراتیک شرط کافی و اساسی برای دستیابی به وحدت، اتحاد، عمل، همکاری و تعاون میباشد. باید گفت که، اگر ارزشهای دموکراتیک در یک حرکت و روند سیاسی احترام نشوند، شکست آن از ابتدای شکل آن مسلم است. رفقا! افغانستان جنگزده و خلق شوربخت آن به دموکراسی و عدالت اجتماعی نیاز دارد! افغانستان کشور عزیز ما به آبادانی و خلق رنج‌دیده آن به ثبات ملی و سیاسی نیاز دارد! افغانستان به وحدت ملی، اعتماد، برادری و برابری اقوام احتیاج دارد. همه این نیازمندیها منتظر آماده‌گی شما برای به سر رساندن رسالت تاریخی شماست! سر بلندی و سرنگونی افغانستان بسته‌گی به طرز رفتار شما دارد!

حزب ملی افغانستان تلاش دارد تا یک جا با نسل غرقاب در دریای خون و آینده سازان جوان در ماجرای عظیم بازسازی و دگرگونسازی، ترقی و اعتلای کشور به مثابه سربازان اشتراک نمایند. ما فرصتهای مناسب زیادی را از دست داده ایم و تاریخ آن را به قضاوت خواهد گرفت. چیزی که در اوضاع و احوال کنونی بسیار مهم است، همانا وظایف تاریخی و تأخیرناپذیر است، که در برابر ما و شما قرا گرفته است. این وظایف، فرصت تفکر به گذشته‌ها را از ما ربوده است، باید با

اجازه دهید اولتر از همه دروهای آتشین اعضای حزب ملی افغانستان در اروپا را به تمام اشتراک کننده گان پلنوم وسیع امروزی تقدیم بدارم و از نام آنها برای شما عزیزان در امر به سر رساندن موفقانه کار پلنوم و تعقیب اهداف آن موفقیت‌های فراوان آرزو نمایم.

رفقا! از موضوع و اهداف پلنوم به روشنی پیداست، که روشنفکران، مبارزان و وطنپرستان افغان از سالیان متمادی جنگ خانمانسوز و تجارب دردناک آن، درسهای عبرت انگیز فرا گرفته اند و نتیجه‌گیریهای دقیق و مطلوب نموده اند.

جای شک نیست، که سیاستهای چپ و راست به مقیاسهای متفاوت در شعله و رساختن آتش جنگی که خانه مشترک ما را در هم پیچید و زنده گی صدها هزار انسان بیگناه ما را بلعید، نقش داشته است. اما همه ما خواستار صلح پایدار و قطع فوری جنگ هستیم. ما جنگ و انواع خشونت را محکوم مینماییم، ولی قطع جنگ و خشونت و جلوگیری از آن در آینده بدین امر مربوط است، که ما چگونه از تجربه‌های گذشته با شیوه‌های عقلانی، برای خلق کردن سنتهای مترقی، جدید و پسندیده در سیاست استفاده مینماییم.

ما و شما شاهدان عینی بدبختیهای بیشمار هستیم، که دامنگیر حزب دموکراتیک خلق افغانستان بود. ما و شما دیدیم که در نتیجه رقابتهای مسلحانه تنظیمیهای به اصطلاح جهادی، پایتخت کشور ما این مرکز تمدن ملت ما چگونه با بیرحمی کامل به کام آتش جنگ و ویرانی فرو رفت، ده‌ها هزار انسان کشته شدند، حکومت مرکزی از هم فرو پاشید، وزارت‌های دفاع و داخله کشور به مثابه سپر مطمئن دفاع از حاکمیت ملی و نظم و نسق داخلی، طبق نقشه‌های از قبل پلان شده دشمنان آشکار ما محل گردیدند، وابسته‌گی به اجانب به امر معمول و حتی اسباب فخر فروشی تبدیل گردید، سرمایه‌های ملی چپاول گردید و نظام اقتصادی کاملاً راکد شد، بی قانونی و خشونت، پایمال نمودن حقوق و آزادیهای انسان تبدیل به قانون شد، مکاتب به پایگاهها و بازداشتگاههای باندهای مسلح تبدیل شدند، اختطاف و گروگان گیری افراد بیگناه برای اولین بار در تاریخ کشور به وسیله فشار بحریرفان سیاسی استفاده شد. چه بود که نشد؟ خلاصه کلام این که از سیاست برای دشمنی با انسانیت استفاده به عمل آمد. از همه دردآور این که به اصطلاح رهبران انقلابی و سترجنرال‌های انقلاب به طراحان نقشه‌ها و پلانهای نظامی باندهای مسلح چپاولگر تبدیل شدند و بالاخر رقابتهای سیاسی و گروهی را به جنگهای اتنیکی تغییر شکل دادند و به این ترتیب خیانت ملی نابخشودنی را مرتکب شدند.

وقت آن فرارسیده است، تا با آواز بلند و رسا این گونه سیاست بازیها را محکوم نماییم. تحریک تعصبات قومی و قومگرایی مزمن درحلقات سیاسی افغانی، خودمحموری و تمایل مطلق به تحمیل ملاحظات شخصی و گروهی، گرایشات چپروانه و راست ارتجاعی به مثابه سنتهای کهنه سیاسی سد راه سنتهای جدید چون پلورالیزم سیاسی، دموکراسی، قانونیت و عدالت اجتماعی میباشد. باید دانست که قومگرایی زیر هر نام و عنوانی که باشد و هر نوع توجهی برای خودمحموری و تحمیل، سازمانسازی و اتحادسازی و ائتلافها بدون روشنی‌بینی سیاسی، بدون صفا و صداقت، چیزی جز موانعی در راه دموکراسی و عدالت اجتماعی نیست.

مجموع شرکت کننده گان پلنوم باز و وسیع ن. آ. ا. بر ضرورت همسویی و وحدت نیروهای چپ و دموکراتیک کشور در یک سازمان واحد سراسری به حیث یگانه راه، جهت ایجاد یک الترناتیف دموکراتیک در برابر حاکمیت ارتجاعی - مافیایی کنونی که وضع فاجعه باری را بر کشور تحمیل کرده تأکید کردند.

واقعیتی و صداقت با هم به پیش رفت و برای سربلندی کشور با درک عالی و احساس مسؤلیت متحده کشور را از منجلا بکنونی بیرون آورد؛ این ودیعه مقدسیست که به ما سپرده شده است!

به پیش به سوی اتحاد و همبسته گی نیروهای ملی - دموکرات - مترقی و عدالتخواه!

محمد ابراهیم دهقان،

نماینده شورای اروپایی حزب ملی افغانستان

\*\*\*\*\*

### صحبت شفاهی رفیق ابراهیم دهقان نماینده حزب ملی

را تقاضا دارند. البته هر شکل حق دارد که از فعالیتهای خود در این عرصه یادآوری کند. اما به نظر من باید از این عمل برای نزدیکی نیروهای چپ استفاده شود و به نام تمام نیروها یاددهانی گردد.

بنای پیشنهاد دارم تا یک گروه تماس از نهضت آینده و دیگر سازمانهای که علاقه مند این پروسه اند ایجاد شود، تا کار عملی را در بین حزبها آغاز کنند. به این گروه وظایف مشخص سپرده شود و امکانات در اختیار شان گذاشته شود و در آغاز با رهبری تمام سازمانها و گروهها در اروپا صحبتهای مستقیم در رابطه به وحدت صورت گیرد، که آیا واقعاً میخواهند وحدت کنند یاخیر و صحبتها باید بسیار صادقانه و انقلابی باشد. اگر ما به اعلامیه ها و ابلاغیه ها اکتفا کنیم، این مدت ۱۰ سال است که این عمل را انجام میدهم، که این ابلاغیه ها و اعلامیه ها نتوانست که هدف بزرگ ما را برآورده بسازد.

در صحبت ها طوری صحبت صورت میگیرد که فکر میشود فردا وحدت صورت گرفته و زمانیکه در عمل باید تطبیق شود، صدها پارلم را بیان میدارند. در همین مدت تلاش ما موفق نشدیم که یک جلسه وحدت را دایر کنیم و نشان دهیم که ما یک گام به طرف وحدت به جلو رفته ایم.

رفقا، تا صداقت در عمل وحدت وجود نداشته باشد و به همدیگر باور نکنیم هیچ نتیجه یی نخواهیم گرفت. وقتیکه صحبت میکنم چیز دیگر هستیم و زمانیکه به عقب رفتیم همان ذهنیتهای دیروزی است که و شما همه دیده ایم. همان اختلافهای دیروزی تبارز میکند. ما نباید امروز را قربان دیروز کنیم و از دیروز باید بگذریم و چنین بی اندیشیم که امروز ما چی کرده میتوانیم؟ دیروز هرچی و هرکس که بودیم گذشت و شاگرد همین مدرسه بودیم بلکه باید دید که امروز چی میکنیم و چی باید کرد؟ ما و شما همه یک هدف داریم و آن خدمت به وطن است، زمانیکه چنین آروزی والای انسانی داریم پس چرا نمیتوانیم با هم نزدیک شویم باید دلایل آن جستجو گردد. شاید نی تنها اختلافات سلیقوی باشد و دستهایی از بیرون شامل باشند. بیاید رفقا که با یک تلاش جدی، ریشه این اختلافات را دریابیم. چون برنامه و مرام یکی است، پس صرف اختلافات سلیقه یی است؟ بیاید که تا این همه اختلافات را حل کنیم. **تشکر از توجه شما**

تا جاییکه با رفقا صحبت شده است، با رفقای که دارای یک عالم تجارب سیاسی اند، ولی بازم بعضی برخوردها و صحبتها طوریت که: زمانیکه ما به خاطر وحدت و همبسته گی صحبت میکنیم (تمام جنبش در اروپا و داخل کشور به آن نیاز دارد) نمیتوانیم که صحبت را طوری ادامه دهیم که ما و شما را با هم نزدیک بسازد. همان اختلافات، تعرض بالای همدیگر و همان پارلمها یادآوری میشود که باعث دوری میگردد و هر یک ما را تخریب میکند. من از رفقا تقاضا دارم که همین انرژی را که ما در راه نوشتن کتابها و مقاله ها صرف میکنم، اگر در راه وحدت به خرج دهیم مفید خواهد بود. چرا رفقا ما و شما با دستان خود (نوشتن در مورد این و آن) به دشمن سند میدهم که ما دیروز چنین افراد بودیم. اگر ما میخواهیم به شکل یک انقلابی واقعی عرض وجود کنیم، بهتر است که از گذشته های خود انتقاد و اعتراف کنیم. نی این که او چنین کرد و من چنان! به خاطر آنکه خود را بیگانه نشان دهد، در مورد دیگران مینویسد. در رابطه به نهضت آینده باید گفت که: رفیق بزرگوار ما رفیق نابیی، واقعاً زحمات شان قابل قدر است، نوشته های شان واقعاً قابل قدر است و از دیگر رفقا نهضت همچنان. بنابر همین ملحوظ ما علاقه مندی شدید به مطالعه مواد و اسناد آینده داریم. اما در ساحه داخلی اروپا و بین المللی صرف رفیق نابیی در کنفرانسها و نشستها اشتراک میکنند. شاید من اشتباه کنم اما در اینمورد پیشنهاد میگردد تا زمینه اشتراک دیگر کادرهای نهضت هم مساعد گردد تا در جلسات بین المللی اشتراک کنند و به این وسیله از دانش دیگر اعضا نهضت آینده نیز دیگران مستفید شوند. البته این نظر من باید شاید من اشتباه کنم.

رفیق نابیی کنفرانس را پیشنهاد کردند، حرف بسیار خود و دقیق است که ما بتوانیم از طریق همین مجمع به وحدت نیروهای چپ برسیم. من پیشنهاد میکنم که به خاطر کار این کنفرانس باید قدم های عملی گذاشته شود. نهضت آینده ۹ سال است که همین حرف را میزند و طوری که رفیق جانباز یادآور شدند حزب ترقی وطن ۱۳ سال است که همین کار را میکنند. باید ما این عمل را به یک شخص وابسته نسازیم بل که به تمام نیروهای مترقی و جنبش ارتباط بدهیم به این مفهوم که همه همین اقدام

نهضت آینده افغانستان باید در جهت همسوسازی نیروهای واقعی چپ و دموکراتیک از تمام ابتکارهای سازنده و اقدامهای مؤثر استفاده کرده، زمینه های عملی ایجاد پیوندهای تازه بین سازمانها، حلقات و گروههای چپ و دموکراتیک کشور را جستجو نموده، بر مواضع روشن اجتماعی، سیاسی و اندیشه یی، بدون لغزش و سطحی نگری سیاستبازانه و معامله گریهای ویرانگر با ارتجاع کهن، تکیه نماید.

## متن صحبت رفیق داود اٹک، در پلنوم باز و وسیع شورای مرکزی ن. آ. آ.

۲۷- جون- ۲۰۰۹م. شهر بُن- آلمان

رفقا و دوستان عزیز،

جای نهایت مسرت است، که امروز یک بار دیگر با شما هم صحبت شده، درباره دو موضوع بسیار مهم و اساسی یعنی بررسی اوضاع سیاسی کشور عزیز افغانستان و تأمین وحدت قوت‌های چپ و مترقی تبادل نظر میکنیم. رفقا، ما و شما در گذشته‌ها هم بر تأمین وحدت صحبت‌هایی داشتیم، امروز هم و در آینده هم خواهیم داشت. ولی، امروز میخواهیم که بر وحدت، اهمیت و میکانیسم وحدت مختصراً صحبت نمایم.

وحدت، نی تنها یک واژه زیبا و یک سوژه مقبول، بل که یک اصطلاح فلسفی، تعیین کننده و سازنده ترمینولوژی هم است. وحدت استرکچر یک پدیده است، وحدت آرگانیزم یک شی است و وحدت ساختار جهانیست.

ما و شما، هیچ یک پدیده را به تنهایی و بدون وحدت و ارتباط در این جهان مادی نداریم و هیچ یک پدیده هم بدون ارتباط با پدیده‌های دیگر موجودیت خود را تثبیت کرده نمیتواند. وحدت چه در مسایل اجتماعی و چه در پدیده‌های طبیعی یک سان رول مرکزی و تعیین کننده دارد. وحدت دارای خصوصیت‌های متعدد بوده، که از جمله دو خصوصیت آن عمده و قابل بحث است. نخست: اگر ما و شما وحدت یک پدیده را برهم بزنیم و پامال کنیم، آن پدیده مفهوم خود را از دست میدهد و دیگر همان پدیده نیست، که در وقت وحدت بود، یعنی از لحاظ شکل و مضمون تغییر میکند.

دوم: اگر ما و شما وحدت یک پدیده را از بین ببریم و وحدت شان را تخریب کنیم، آن پدیده امراً خورد میشود و وقتی که یک پدیده خورد شد، همان پدیده جبراً از لحاظ کمی و کیفی ضعیف میشود و وقتی که یک پدیده ضعیف شد، آن پدیده نظر به دستور و خصلت پاورپلٹیکس تحت تجاوز قرار میگیرد و مفهوم خود را از دست میدهد. که مثال‌های شان را در تاریخ، هم در جهان هم در افغانستان هم در گذشته و هم در امروز میبینیم. لحاظاً وحدت موجودیت یک پدیده است؛ وحدت هویت یک موجود است و وحدت شناخت یک شی است.

با وجودی که همه ما و شما ارزش و رول وحدت را قبول داریم، ولی باز هم ما انسانها و خصوصاً چپیها سوگند یاد کرده ایم، که هیچ وقت در یک پلاتفورم واحد و مشترک گرد هم نمی آئیم و هرگز وحدت نمیکنیم. این سوگندخواران، تنها افغانها نیستند، عدم وحدت و فروپاشی نهضت چپی تنها مشکل افغانها نیست، بل که در جهان هم ما و شما یک مُدل سالم و صیقل شده را نداشتیم و نداریم.

حزب لنین هم مرتکب اشتباهها و انشعابها گردیده بود و در وقت حزب کمونیست اتحادشوروی سنترالیزم دموکراتیک که یک اصل لنینیست، اصلاً وجود نداشت و به همین خاطر بود، که لنین در وجود شورا‌های وسیع مردمی و در وجود حزب ملیونی خود صرف و صرف بر ۵۰ کادر حساب میکرد. رفقا، بدین لحاظ، بیایید بشتابیم و در راه تأمین وحدت و مُدل سازی یک گام عملی برداریم و یک مُدل را بسازیم که مُدل طراز

قرن ۲۱ باشد، مدلی باشد که از اشتباههای تلخ و جبران ناپذیر گذشته مُبرا باشد. یک مُدل را ایجاد کنیم، که بر تجربیات نوین، بر ضرورت‌های مُبرم و بر اصول و شرایط امروزه ملی و بین المللی استوار باشد. تا بتوانیم که میهن عزیز خود را از دهن اژدهای جنگ و مظالم اجتماعی حاکم، نجات دهیم.

رفقا! ما و شما امروز در جامعه مُدرن غربی توأم با سهولتها و فرصت‌های فراوان لحظه‌های رنگین خود را سپری میکنیم. ولی اگر یک نظر عمیق و یک نگاه بشردوستانه به وطن خود داشته باشیم، میبینیم، که افغانستان میسوزد؛ وطن ما در گرفته و هر روزه دهها یا صدها انسان زحمتکش به شهادت میرسد، زحمتکشانی که دفاع از حقوق آنان شعار ما و شماست؛ زحمتکشانی که امروز هم به دفاع آنان تجمع کرده ایم.

کادرهای اکادمیک و ملی مان بسیار به بی پروایی، به آسانی و ساده گی ترور میشوند. در این جا لازم میبینم، که شهادت خانم ستاره اٹکزی را در شهر قندهار یادآور شوم. ستاره اٹکزی نی تنها یک وکیل منتخب و مردمی بود، بل که یک زن مبارز، تحول طلب، با شهامت و مدافع صدیق و دلیر زحمتکش افغانستان بود. به ویژه، مدافع حقوق زنان بیوه و بیچاره و حتی در زمان متعلمی و دوران تحصیل هم مشعل بردار نهضت مترقی زنان افغانستان بود، ولی به تاریخ ۲۱ اپریل سال جاری توسط دشمنان وطن و تمدن به شکل بیرحمانه و بزدلانه در مقابل منزل رهایشی اش در قندهار به شهادت رسید.

دوستان گرامی، مردم ما و شما آب آشامیدنی صحی ندارند، نان خوردن ندارند، مردم شریف ما در شمال علف میخورند و مردم شریف ما در جنوب خون میخورند، خون! خطرناکتر از همه، این که افغانستان بیچاره و بی زعیم امروز در موجودیت قوای ۴۴ کشور جهان به طرف سیاه چال اسکولاستیسیزم (فلسفه و تعلیم و تربیه قرون وسطایی) روانه است، که انفاذ قوانین قرون وسطایی و تعیین کردن رئیس جمهور به استخاره شاهد این امر است. پس شعار ما در این حالت چیست؟ شاخص ما و شما در مقابل کشتارهای بیرحمانه افغانها چه در حمله انتحاری و چه توسط بمباردمانهای کورکورانه ناتو چیست؟ آیا ما و شما برای این حالت دردناک کنونی سلوشن (راه حل) داریم طبیعیست که نی؟

رفقا، اگر ما و شما یک وحدت سازمانی و حزبی فراگیر را تأمین کنیم و از اختلاف‌های سلیقه‌ی خود بگذریم و مناسبات کهنه حزبی و سازمانی خود را کنار بگذاریم و از امتیازهای جزئی خود تیر شویم، رسالت تاریخی خود را ایفا نموده ایم. من به صفت عسکر تان به شما بزرگان یک پیشنهاد میکنم:

بیایید، به زحمت، علاقه مندی و حوصله مندی رفقای نهضت آینده افغانستان ارج بگذاریم و یک کانتکت ویژن را ایجاد کنیم، یا یک وحدت سرابی را تمثیل کنیم؛ وحدتی که صرف به یک شعار پیوند داشته باشد.

یعنی بیایید یک شعار مشترک را ایجاد کنیم، صرف یک شعار! شعاری که وضع کنونی مرگبار و نهایت تراژیک را به درستی تشریح کند، شعاری که به مبارزان طبقاتی و ملی ملاک باشد و دردهای امروز مردم نجیب ما را

ما بر آنیم که اگر نیروهای چپ و مترقی واقعاً خواهان مبارزه برای بهروزی مردم اند و در خط دفاع از منافع زحمتکشان و ارزشهای انسانی و دموکراتیک قرار دارند، راه دیگری جز گفتگو و بحث برای دستیابی به یک تشکل بزرگ سیاسی ندارند.

از دست خواهیم داد. اگر روشنگران افغانستان و جهان به همین منوال بی اثر و بی تفاوت باشند، مناسبات قرون وسطایی به شکلی از اشکال دوباره بر مردم زحمتکش افغانستان تحمیل خواهد شد.

**به پیش به سوی یک شعار واحد و سازنده!**

مداوا کند. اگر ما و شما نمیتوانیم که حتی یک شعار مشترک و واحد را مطرح کنیم، در این صورت چه بودن ما و شما زیر سوال خواهد رفت. توانایی و وطندوستی ما و شما زیر سوال خواهد رفت و زحمتکشان معصوم ما از پیشاهنگان خود ناراضی خواهند شد و در دامن ارتجاع خواهند افتید و به احیای تنویر و جلب جذب آنان ناوقت خواهد بود و فرصت طلایی را

### متن سخنرانی رفیق فرید سیاوش

#### در پلنوم وسیع و باز شورای مرکزی نهضت آینده افغانستان

#### در باره وضعیت سیاسی افغانستان و ضرورت وحدت نیروهای دموکراتیک و مرفقی

۲۷ جون - ۲۰۰۹ م.، شهر بن - آلمان

پرسشهایی را مطرح کنیم؟ اگر ما نتوانیم پرسشها را به حیث مسأله مطرح نماییم، تا سالیان درازی به گرد پاسخهای یکه و از قبل پذیرفته شده سرگردان خواهیم ماند. من باور ندارم که به یک پرسش یک پاسخ وجود دارد، برعکس به این باورم که به هر سوالی میتوان دهها پاسخ ارائه کرد و از جمع بست پاسخها راهی را به سوی آینده گشود.

من بسیار علاقه مندم، که به این پرسشها پاسخهای متفاوت، اما جدی و روشن ارائه نماییم، اگرچه که رفقای نهضت آینده از چندین سال به این طرف در نوشته های مرسوم به نقد ایدیالوژیک، پرسشهایی را در مورد حزب دموکراتیک خلق مطرح نموده اند و پاسخهایی را از جانب انگاره و نگرش منحصر به خود ارائه کرده اند، که به جای خود قابل مکث و ارجحنداریست. اینک من در درون پاسخهای نهضت آینده، پرسشهای نوین را مطرح مینمایم و همان گونه که رفقای نهضت را به کنکاش دوباره دعوت میکنم، خود را نیز من حیث یک روشنفکر همان راه و روش درگیرتر میبینم:

۱- به پرسش هژدهم بروم ۷ ثور مکث نمایم. این حرف کافی نخواهد بود، که هفت ثور را کودتا بنامیم یا انقلاب یا قیام یا رویداد، به نظر من مفهوم زدایی و مفهوم افزایی متعلق به رهبری کلاسیک حزب دموکراتیک خلق است. نسل ما به این پرسش با در نظر داشت آموزه ها، تجارب و دستاوردهای نوین علمی - فلسفی به تکثیر پاسخها دست بزیم تا نسل امروز و نسل بیرقگیر فردا که به مراتب نسبت به ما آگاهتر و فعالتر اند، در کابوس تفسیرها یکه، نادرست و مطلق گیر نمانند.

۲- توجه به پرسش و مسأله شش جدی، بحث من در این نیست، که آیا شش جدی مرحله نوین و تکاملی بود و یا اشغال کشور از سوی شوروی؛ بحث من در این است، که ما از سطح گفتمان ترمینالوژیک (مقلوه شناسیک) به صوب تحلیل ماهوی مسأله گذار نماییم، ما اگر برای تفکر فردا می اندیشیم و نی به منفعت بیولوژیک خود، سزاوار است، تا از این مرحله تاریخ تاویل خود را که راهگشای امروز و فردا باشد، بیرون بریزیم. منتقدان خارج از حزب دموکراتیک و نویسنده گان روسی به ششم جدی بار بار به مثابه روز اشغال کشور پرداخته اند و این ما هستیم که میتوانیم با استفاده از اسناد و زنده گی درون

**ما بر جاده های گُلپوش تاریخ ایستاده نیستیم  
سلام بر همه،**

نسل به جا مانده از جنبش روشنفکری افغانستان، شاید نسلی باشد، که خود را در میان تباهی و خاکستر تداعی میکند.

با گذار از قرن بیستم به قرن بیست و یکم، تفکر نظاممند جامعه بشری نیز دچار تحولات شگفتیز تاریخی گردیده است.

نیولیبرالیزم با دغدغه جهانی شدن، خود را به حیث یک مترسک در مزرعه خون مسخره کرده است. به جای جهانی شدن خوشبختی و رفاه، فقر و بدبختی و اشغال، جهانی شده است. تضاد بین کمپنی های چندین ملیتی از یک سو و فشرده این تضاد با ملیتاریزم رو به تزاید دولتهای ملی، از سوی دیگر، سیمای تضادهای جهانی را در حوزه امپراتوری سرمایه به نمایش میگذارد.

هنوز زود است، که در عرصه جهانی از پیروزی کی بر کی سخن بزیم و اما میتوان به حیث یکی از اشکال تفکر قبول کرد، که جانب دگر تضاد را توده هایی میلیاردی مردم زمین میسازند. مجموعه نیروی کار که در درون خود فی نفسه، نیروی بیکار جهان را نیز احتوا میکند، به حیث یک حرکت در برابر تضادهای نامبرده بالا، قدمی افرازد و زنجیره یی تضادهای جهانی را رنگ میبخشد.

هنوز شاید ندانیم، که حرکت این تضاد به کدامین شیوه ها حل میگردد، به شیوه کلاسیک یا مدرن یا اسلوبهایی که تا هنوز کشف نشده باقی مانده اند. جهان سوم، که یکی از حلقات برجسته تضادهای جهانیست، میتواند سرنوشت تضادها را به نحو دیگر رقم بزند، در قرن بیست و یکم با تسلط بازار جهانی شده آزاد، سرمایه داری پسا صنعتی را مفهوم زدایی میکند و خود را به حیث یک واقعیت مبارز طرح میریزد.

سرنوشت سرمایه با سرشت اشغال و تجاوز آمیخته گی چراغان دارد، قرن سیتمبری با گامهای اتمی ناقوس اشغال کشورها را به صدا درآورد. کابل و بابل را پاپلین جادویی به هم گره زد.

چرا من خواستم که اندکی تضادهای جهانی را بکاویم؟

#### پرسشهای نوین بر افرازم

ما اعضای سابق حزب دموکراتیک خلق افغانستان (وطن) به کدامین پرسشها پاسخ بجویم و یا بهتر است این گونه عرض کنم، که چه

تحلیل وضع ثابت می سازد که اقدام ما مبنی بر از سرگیری مبارزه دادخواهانه، به ویژه در مهمترین بخش آن، یعنی در بخش نوسازی بنیادهای فکری و تیوریک و سمتدهی استرئیژیک کار انقلابی، یگانه راه برای تشکیل نوین مبارزان چپ افغانیست. آیا وظیفه دیگری اساسی تر از این وظیفه در برابر رزمندگان راستین - ولی پراکنده - انقلابی وجود دارد؟



فرم حزبی و چه در قالب جبهه‌ی) ما پیش از آنکه به قدرت بیندیشیم به روابط پراگنده قدرت اندیشه کنیم.

چه به سویه فردی چه به سویه گروهی گذشته و حال خود را از منشور انتقاد علمی عبور بدهیم و فارغ از تسویه های جسدی راهی را به سوی تولید اندیشه و اندیشیدن باز نماییم.

مبالغه نخواهد بود، اگر بگویم که هر یک ما و هر گروه از ما خود را اشرف مخلوقات دانسته و دیگران را هیچ. این طرز برخورد و نا اندیشیدن است که ما را به سوی روایت‌های یکه و قطعی میبرد. به قول ژان فرانسوا لیوتار ما در وضعیت ابطال احکام قطعی و یکرخت قرار گرفته ایم.

### از کجا باید آغازید؟

اگر ما نجیبیم، مبارزه و تاریخ منتظر ما نمیشیند و نسل دیگری از درون تضادهای اجتماعی قد می افرازد. این نسل به پیمانۀ ما باید قربانی بدهد تا به جایی برسد، که خود را محکوم به انتقاد از خود بداند.

آحاد روشنفکری وقتی به جریان تبدیل میگردد که نخست به تصویر تفاوت باور پیدا کند و همان گونه که خود را به رسمیت میشناسد، دیگران را نیز به رسمیت بشناسد، با پذیرش این روش است، که گفتمانهای سازنده خروشان میشود و از طریق به هم آمیزی گفتمانها به کنار هم آمدن افراد و گروهها نایل میگردیم. شرط اولیه برای هرکنار آمدن و گفتمانی، صداقت و ایثار، گذشت و شکیباییست.

ما بر جاده های گلپوش تاریخ ایستاده نیستیم، بل بر پشت نهنگ حوادث شط میزنیم، ما نمیتوانیم که سلام خود را مثل عاشقان گل سرخ به آنکه فراسوی گل ابریشم نشسته است، تقدیم نماییم. ما در یورشیمای تناقض و از خودبیگانه گی (هگل، فیورباخ، مارکس) نشسته ایم و تابلوی شکسته خود را نی در پهنای خاکستر، که بر دیوار هوس می آویزیم. پرومیتۀ آتش و روشنایی را از فراز نای الُمپ به انسان تسلیم کرد و انسان سپتامبری سایه های روشنایی را در زیر درخت نیلوفرین می افشاند. روشنایی هم چنان پرتو خواهد زد و ما نیز به امید سپیده دم سر انجام نقی به سوی دالانهای چراغان فردا خواهیم زد، اگر دستهای ما مانند شمعیهای روشن صمیمانه بدرخشند.

### بیانیه شاهی محترم سلیمان راوش، شخصیت مستقل سیاسی و فرهنگی

کار کرد تا همه به سوی حقیقت بیایند، حقیقت میدرخشد و کسیکه خواهان حقیقت باشند به طرف حقیقت می آیند.

دوستان عزیز، وحدتها در طول تاریخ نتایج مطلوب نداده، برای اینکه وحدت از کسی صورت میگیرد که متضاد باشد و از مخالف صورت میگیرد، البته به خاطر یک امر مؤقت. در شوروی وحدت صورت گرفت، اما چی گونه پاشید. چون وحدت روی یک هدف خاص مرامی یکتعداد بود. به خاطر رسیدن به هدف و وقتیکه به هدف رسیدند و یا مقصد انجام شد، دوباره آن وحدتها از هم پاشید. در داخل حزب خودتان چی وحدتهایی که صورت نگرفت! اما پاشید. گروه جنایتکار اسلامیهستار رفتند به مکه و به آن چی باور داشتند و وجدان شان بود سوگند یاد کردند که وحدت میکنیم،

حزبی گوشه هایی از این واقعیت را به نحو متفاوت تر به بیان در آوریم.

۳- پرسش فروپاشی حزب یکی از آن مسایلیست، که ما تا هنوز به پاسخهای روشن و راهگشاه دست نیافته ایم، رفقای نهضت در برخورد با این پرسش نیز رابطه بین عام/خاص را کمی مفهوم زدایی کرده اند و با استعمال عبارۀ "معامله گری برخی از رهبران" فروپاشی حزب را به تحلیل گرفته اند. در حالی که در تفسیر رفقا، من نحوی از تسویه فزیکتی را مشاهده میکنم تا کاوش فکری را. برای من نفس ظاهراً گرایش به سوی تسلیمی مطرح میباشد، که با آرایشهای استخباراتی و استراتژیک و آپراتیفی شکل گرفته است و برای بار چندم از رهبری حزب دموکراتیک به حیث ابزار منافع استفاده شده است.

۴- رفقای نهضت، افغانستان را یک کشور اشغال شده دانسته و هر نوع شرکت را در رژیم فعلی محکوم میکند (شرکت در پارلمان و شرکت در انتخابات ریاست جمهوری). در اعلامیه اخیر که به مناسبت انتخابات ریاست جمهوری افغانستان انتشار یافته است، کاندیدان منسوب به شاخه های قبلی حزب دموکراتیک، در این اعلامیه از جنبش چپ اخراج گردیده اند. به گمان من کنه مسأله در این است، که روشنفکر افغانستان به علت نرسیدن به نقد تاریخی و خودسازی متفکرانه دچار سرگردانی سیاسی شده است. کسی به سوی قدرت میروند، کسی به حیث ناظر حاشیه نشین به بیرون از مرز میمانند. فراموش نکنیم، که نتیجه هر دو رفتار، در عمل تاریخی نتایج یک سان دارد.

مشکل اساسی شاخه های حزب دموکراتیک خلق افغانستان در معضلات عمومی جریان روشنفکری افغانستان سرازیر است، ما ناگزیر هستیم، که سر انجام به این مشکلات فایق آییم وگرنه کوهی از سیاهی را از دستی به دست دیگر منتقل کردن است. مشکل ما یا به تعبیر درستتر مشکل روشنفکر امروزینۀ ما مسأله فکریست. نبود انتقاد از خود و اندیشیدن درباره صورت های اساسی اشتباهات، آن دالان بی سر انجامیست که مسافران را به بنبست میبرد. برای ایجاد یک حرکت روشنفکرانه (چه در

مشکل است در مقابل کسانی که پُر از دانش هستند و پُر از خرد، پُر از فهم و تجربه مدیریت و زمانی هم حاکم در جامعه بودند و جامعه را هم خراب کردند، صحبت نمود. من آدم غیر حزبی هستم، اگر حرفهای من متوجه یکی از جناحهای حزب میشود و انتقادی است، با کمال بزرگواری که شما دارید، این حقیر، فقیر را بخشید!

من همیشه خلاف رود حرکت کرده ام و امروز هم میخواهم که خلاف رود حرکت نمایم. سراسر حرفها تا جاییکه من شنیدم بالای وحدت بود و باید در راه تأمین وحدت کار شود. معذرت میخواهم، چنانچه که من فکر میکنم، کلمۀ وحدت یک بُرد کاملاً سیاسی دارد. دقیق نیست و نباید کسی را به وحدت دعوت کرد. حقیقت کسی را به وحدت دعوت نمی کند! باید

هر وضعیت سیاسی یک وضعیت یگانه، تکرار ناشدنی و مشخص است، که از ترکیب نیروهای متخاصم یا مخالف درگیر سیاسی در بستر ویژه انکشاف مبارزات طبقاتی، در متن شیوه های تولید و زیست، در یک مقطع از تاریخ معنوی - فرهنگی یک جامعه، شکل میگیرد.

می‌رود و کی چی می‌خواهد بکند. (بسیار معذرت مرا بپذیرید. این نظرهای شخصی خودم است و من وابسته به هیچ یک از گروه‌ها نیستم). بناً من یک پیشنهاد دارم به شما: فرض میکنیم که نهضت آینده افغانستان، واقعاً از نخبه‌گان جامعه ما تشکیل یافته (نایبی صاحب یکی از شعرای بسیار خوب ما هستند و واقعاً وارد در ادبیات هستند) بیایید اولین کاری که میکنیم حداقل یک جنبش روشنگرانه را به وجود بیاوریم که مردم با آگاهی به طرف شما بیایند (هدفم مردم است نی عوام الناس، که نی خوانده میتوانند و نی نوشته) مردم (یکتعداد از کسانی که درس خوانده اند یعنی درس خوانده‌ها) به طور مثال نسل جوانی که طبق یک آمار تقریباً ۴۰۰ میلیون با کمپیوتر سروکار دارد. آنها آگاهانه به طرف شما بیایند و به آنها اندیشه بدهید، به آنها تاریخ ملت شان را بفهمانید و تاریخ اجتماعی شان را برای شان بررسی کنید. شما نکریدید این کار را!

سراسر مارکس است، لنین است و دریک سایت دیگر مائو است. دوستان بیاید ما را خلاص کنید از شر «مائو ستنگ». برای شما سوگند می‌خورم که ۲۰۰۰ سال قبل هم که هفت پُشت مارکس، انگلس و یا فویرباخ تولد نشده بود که شما ماتریالیزم دیالکتیک فلسفی را درکشورتان داشتید.

من از (ابن راوندی و از ذکرهای رازی) صحبت میکنم. چرا آنها را نمونه نمی‌آورید و شما همیشه در مقالات تان مینویسید که پنج دوره تاریخی! کدام دوره های تاریخی؟ بفرمایید بکشید برای ما ثبوت کنید شما پنج دوره تاریخ در افغانستان داشتید. دوره برده گی را شما در خراسان دیروزی نداشتید. در تاریخ ما وجود ندارد دوران برده گی.

دوران فیودالیزم (در کتابها می‌آید) که در اروپا بوده، در افغانستان وجود نداشته، سرمایه داری شما ندارید. حتی نیروهای مؤلده نداشتیم و وسایل تولید نداشتیم. کدام کارگر؟ ما شعارهای بسیار هوایی میدادیم «کارگران جهان متحد شوید» کدام کارگر؟ ببینید ما و شما تحلیل درستی از وضع کشور خود نداشتیم و به همین مناسبت پراکنده شدیم. همه ما و شما یک سلسله حرفهای بسیار فرمایشی و کلیشه یی میزینیم (پُرمطراق و دهان پُرگن). حرفهای نیست که از عمق جامعه برخاسته باشد و تحلیلی از جامعه داشته باشد.

هدف من از تمام این حرفها این است که: عزیزان من، شما نخبه گان جامعه هستید، خُبره گان جامعه هستید، چشم امیدجامعه به طرف شماست! یک تکانه بسیار عمیقی را به وجود بیاورید، برای آگاهی بخشی جامعه. اولاً باید جامعه را شما آگاه بسازید و بعداً مسایل قدرت حل میگردد. چنانچه من در مقاله خویش نیز یادآور شده ام، امروز همه به طرف این در حرکت هستند که هدف از مبارزه خدمت به مردم نیست بلکه هدف از مبارزه یکتعداد رسیدن به قدرت است! نی خدمت کردن به مردم. پس بیایید که خدمت کردن به مردم را شعار خود بسازیم.

عزیزان، چون من آدم کمفهمی هستم و بیسوادی هستم، اگر در جمع شما دوستان و سیاسیون حرفی زده ام مرا ببخشید. **تشکر از شما**

اما از هم پاشید! هدف من این است که همین گروه (هر حزبی که است من نمیدانم و نام نمیگیرم) یک کتله بیایند کار کنند و زمانیکه کار کردند، خود به خود مردم به طرف شان می‌آید. اتحاد مردمی صورت میگیرد، همنظری و همسویی به میان می‌آید. چرا ما یک شخص را دعوت کنیم و خودت از مسایل بگذر و . . . اما دو روز از این وحدت نگذشته باشد دوباره از هم می‌پاشد. البته این نظر شخصی خودم است و در اصل کلمه وحدت شعار بسیار بزرگی است.

مسأله دوم این است که عزیزان ما مخصوصاً چپ اندیشان ما در طول مبارزات سیاسی خود سعی در این نکرده اند که آگانه اعضاء خود را و مردم را به طرف خود بکشانند. این حرفهایی است که در اینجا اگر نگویم مجبور باید بنویسم اما بهتر است در همین جا رو در رو بگویم. از همین بی آگاهی بوده و ناخود آگاهی بوده که حزب چنان پاشید که اعضاء بیروی سیاسی که مردم برای آنها قربانی میدادند، جانهای عزیز خود را فدا کردند اما دیدیم که از زیر ریش کبها برآمدند و بازهم تلاش صورت میگیرد که با آنها وحدت صورت گیرد، یعنی چی؟ یک مثال مردمی داریم که میگویند: سرمه آزموده را آزمودن خطاست. اگر کسی به من جنت را هم وعده بدهد با چنین اشخاصی یکجا نمی‌شوم. ترکش کنید و افشاء شان کنید تا مردم و یکتعداد نسل جوان که در افغانستان است که آنها بدانند که شما این شهامت را دارید. در تمام سایتهای چپی یکرور رانی، سیاف، گلبدین و . . . افشاء نشده اند! تمام روز از تلویزیونهای شان گرفته تا به سایتهای شان، چی دشنامهای که اعضاء حزب را نمیدهند. یک نفر از اعضاء حزب از خود دفاع نکردند. این چی شهامتتست؟ وحدت برای اینکه باید خاموش باشیم و مصلحت اندیشی کنیم؟

یک تن از دوستان (اسم شان را نمیگیرم) از من تقاضا کردند که یک مطلبی برای ما بنویسید و در سایت خود ما آن را نشر میکنیم. من در پاسخ برایشان گفتم که: خودت همین جرئت را نداری که آن را نشر کنی! گفتند که شما بفرستید (سایت هم چپی)، سرخ میزند. زمانیکه برایشان فرستادم، گفتند که والله یک سلسله مصلحتهایی است که شما میدانید و ما در داخل افغانستان یک سلسله حرفهایی داریم که نمی‌شود آن را به نشر برسانیم.

دوستان عزیز، اکثریت اعضاء حزب، تاریخ اجتماعی افغانستان را نخوانده اند! چرا نخوانده اند؟ برای اینکه تا به هنوز نوشته نشده است. اما تاریخ حزب بلشویک را همه میدانند و همه خوانده اند. زمانیکه تاریخ حزب بلشویک را میخوانیم، لنین، مارکس، انگلس، مائو، هوچیمین، کاسترو و . . . آنها عقاید خود را پنهان نکردند! عزیزان من، به آن چی که می‌اندیشیدند بیان کردند. اگر درمورد دین، سیاست و یا فرهنگ بوده، بیان کردند و یک گروه را به همان اساس به دور خود جمع کردند. گروهی که معتقد به اندیشه شان بوده. اما اندیشه سازمانهای چپی ما معلوم نیست، کی به کجا

ما یقین داریم که مبارزان راستین داعیه زحمتکشان افغانستان این فرصت تاریخی را از دست نداده، در یک پروژه واحد برای ساختن سازمان بزرگ سیاسی مردم افغانستان به دعوت ما لبیک خواهند گفت. نهضت آینده افغانستان هدف دیگری جز ایجاد چنین سازمانی ندارد و صرف به حیث یک کانون مبارز در صفوف آن جا خواهد گرفت.

### متن صحبت رفیق شمس الرحمن کبیبی، نماینده حزب «آرمان ملی»

گردید موضعگیری ما با شما هیچ فرقی ندارد. من همه را یادداشت کرده ام و من این پیامها را به آنها میرسانم و در خدمت شما حتماً قرار میگیرد.  
ممنون شما

من چیزی برای گفتن زیاد نداریم، من خواستم از دعوتنامه که شما برای ما فرستادید یادآور شوم که رفقای ما با کمال میل آن را پذیرفتند و به من وظیفه داند که گزارش مکمل پلنوم را برایشان تهیه کنم و ضمناً آنها در پاسخ نهضت آینده رسماً خواسته‌های خود را میفرستند و طوریکه شاهد

### پیام کمیسیون مؤقت تفاهم و وحدت اعضای سابق حزب وطن در شهر هامبورگ

#### به هیئت محترم رهبری نهضت آینده افغانستان

پلنوم شما شرکت کرده نمیتوانیم معذرت ما را قبول نمایید، ما در کار پلنوم برای شما موفقیت ارزو مینمایم. با درود های رفیقانه  
شفیع صدیقی  
سخنگوی کمیسیون مؤقت تفاهم و وحدت اعضای سابق حزب وطن  
(ح.د.خ.ا) در شهر هامبورگ

سلام های صمیمانه ما را بپذیرید،  
دعوت نامه شما در رابطه با اشتراک هیئت نماینده گی کمیسیون مؤقت تفاهم و وحدت اعضای سابق حزب وطن (ح.د.خ.ا) در شهر هامبورگ در کار پلنوم، به ما رسید از شما ممنون هستیم. بنابر بعضی معاذیر در کار

### پیامها و یادداشتهای ارسالی تعدادی از رفقای دعوت شده به پلنوم وسیع شورای مرکزی ن.آ.۱

من باور دارم که پلنوم شما تصمیم با اهمیتی را در راستای وحدت نیروهای چپ و دموکراتیک کشور اتخاذ خواهد نمود. وظیفه خود میدانم تا حمایت کامل خویش را از تمام فیصله های این پلنوم که به یقین قابل قدر و به نفع جنبش چپ جامعه افغانی است ابراز بدارم.  
با تقدیم احترامات رفیقانه خدمت هریک از شما  
**رفیق جنرال انور پویان:** نسبت معاذیری که دارم، نمیتوانم در کار پلنوم اشتراک نمایم؛ اما، از نظر اندیشه یی همیشه در کنار رفقای نهضت آینده افغانستان قرار داشته، اقدام رفقا را در رابطه به تدویر پلنوم وسیع به اشتراک سازمانها و شخصیتهای مستقل پشتیبانی و استقبال کرده، آن را به مثابه گامی به پیش به خاطر وحدت نیروهای مترقی میبندم.  
پیروز باشید.

**رفیق دگروال محمد آصف خوانی:** بنابر مصروفیتی که برایم پیش آمد، در کار پلنوم اشتراک کرده نمیتوانم؛ اما، از تصمیم و فیصله هایی که در راستای اتحاد و یک پارچه گی نیروهای ملی، مترقی و چپ اتخاذ میگردد، کاملاً حمایت میکنم.

**رفیق جنرال ضیا کوهستانی:** از این که قبل از رسیدن دعوتنامه، سفرم را به یکی از کشورها پلان نموده ام، نمیتوانم، منحیث یکی از رهبران جنبش چپ و هم‌رزم شما رفقا در نهضت آینده افغانستان، در کار این اجلاس سهم بگیرم؛ تقاضا دارم، تا فیصله ها و تصاویر پلنوم را برایم ایمیل نمایید، تا به موقع در جریان قرار داشته باشم. تعهد مینمایم، تا در عملی نمودن تصمیمی که رفقا اتخاذ مینمایند، کوشا باشم. با درودهای رفیقانه

**رفیق عبدالصمد ازهر:** سلامهای گرم خود را خدمت شما تقدیم میدارم، از دعوتنامه محبت آمیز شما یک جهان سپاس و امتنان تقدیم میدارم. با وجود اشتیاق برای استماع سخنان و نظریات رفقا، از اشتراک خود بنا به دلایل ذیل اطمینان داده نمیتوانم: ۱- بعد از یک عملیه ناقص شبکه چشم، تمرکز دیدم را در یک چشم از دست داده ام و بناءً در راننده گی در فواصل طولانی، خاصه شب هنگام، مشکلات دارم. ۲- بنا بر یک ناجوری دومی که به خاطر آن روزمره شعاع میگیرم، عوارض جانبی آن مانع چنین سفرها و اشتراک در چنین نشست ها میگردد. با ذکر این معاذیر به عرض می رسانم که تمام احساسم با شما و تمام آنهایی است که صمیمانه در تلاش به هم پیوستن مبارزین واقعی راه ترقی و بهی مردم بلاکشیده ما، و دریافت و تدوین راه ها و وسایل واقع بینانه و عملی برای رسیدن به آن آرمان های پاکیزه و مردمی استند، می باشد. برای شما درین راه آرزوی موفقیت میکنم. با تجدید احترامات

**رفیق عارف رشید:** رفقای عزیز نهضت آینده افغانستان، رفیق نابیی، اعضای شورای مرکزی نهضت آینده و سایر اشتراک کننده گان در این پلنوم!

از اینکه پرابلم های تخنیکی ناشی از مهاجرت مانع حضور من در کار این پلینوم گردیده است، بی نهایت متأثرم.  
اجازه فرمایید تا بدینوسیله تبریکات رفیقانه خود را به خاطر تدویر پلنوم باز و وسیع نهضت آینده افغانستان که ابتکار قابل قدر در جنبش چپ کشور است، حضور هریک شما تقدیم داشته و مؤفقیتهای هرچی بیشتر شما را در طی نمودن مسیری که به خاطر دفاع از منافع طبقه زحمتکش کشور ترسیم نموده اید خواهانم.

اگر مسؤولیت مستقیم وضع فاجعه بار زنده گی مردم به دوش مجریان امروزی قرار دارد، رهروان جنبش دموکراتیک افغانی نیز مسؤولیتهای معین خود را دارند؛ برخی از بازمانده های چپ دیروز تنها به برشمردن ناکامیهای حاکمیت امروزی و گسترده بودن عکسهای رفیق شهید داکتر نجیب در کوی و برزن شهرها، دل خوش کرده اند و در نهانی ترین لایه های ضمیر خود، برگشت بر اریکه قدرت را خواب میبینند.

ادامه پیامهای رسیده به پلنوم ...

**رفیق انجنیر سیدمعصوم نیرد:** با ادای احترام به تمام رفقا و دوستانی که در کار پلنوم وسیع و باز نهضت آینده افغانستان اشتراک نموده اند؛ باید عرض شود، که نسبت مشکل فامیلی نمیتوانم رفقا را همراهی نمایم؛ اما، این اقدام نیک و به موقع شما رفقا را تأیید نموده، برای عملی کردن آن آماه همکاری خواهیم بود. پیروزی مادر وحدت ماست!

**رفیق نورالدین همسنگر:** رفقای گرامی، خورسندم از این که پس از مدتها باهم در تماس شدیم؛ قلباً با شما رفقا هستم و از جرئت انقلابی تان که به خاطر تشکل نیروهای چپ و انقلابیون کشور دارید، تمجید نموده، همراه و همسنگرتان خواهیم بود.

**رفیق صدیق محبت:** رفقای گرانقدر اعضای شورای مرکزی ن. آ. ا. و اشتراک کننده گان پلنوم وسیع، درود بر همه تان. به اثر مریضی که دارم، نمیتوانم تا آلمان سفر نمایم، با تمام حواسم از دور با شما رفقا هستم و از تصامیمی که میگیرید، پشتیبانی مینمایم.  
**رفیق نقیب صادق:** سلام و درود بر شما رفقا!  
مشکلی پیش آمد، نتوانستم، حضور یابم، معذور دارید. سروده ام را به پیشگاه شما رفقا به مناسبت اجلاس تقدیم مینمایم:

تو پی اندیشه های ناب برو  
دعوت از همه دستان پاک بکن  
تو ز آفتیدن و برخاستن مهراست  
مشت منطق گره زده، بلند بکن  
ما از این رو رویم به راهی چنین  
ای که در دل تو داری درد وطن  
که از این بیش خموشی گنه است  
بیا باهم دژ بی شکست شویم  
که تراویده اند ز نظم نوین  
که بنایی ز آینده ریزند چنین  
که ره رهروان راه است همین  
خوشه های ظفر ز آفتاب بچین  
خیر زحمتکشان ماست در این  
آی و با ما شو، با ما به یقین  
غم و درد وطن گشته سنگین  
کاخ استبداد را زنییم به زمین

تحت نظر هیئت تحریر:

ضیاء صدیقی سپهر، عبدالهادی ابوی، نور  
محمد عطازی و قدیر محبوب

# آینده

ارگان مرکزی نهضت آینده افغانستان

\*\*\*

صاحب امتیاز: نهضت آینده افغانستان

مدیر مسؤول: داود کاویان

سکرتر مسؤول: عصمت نایخیل

مسؤول شعبه توزیع: قادر یامان

\*\*\*

دیزاین و صفحه بستنی: عصمت نایخیل

وجه اشتراک سالانه و یا شش شماره: مبلغ

۲۰ یورو

بانک و نمبر حساب:

Name of the Bank:

Credit Mutuel

IBAN (International Bank

Account Number):

FR76 1027 8012 2600 0201 0220

151

BIC (Bank Identifier Code):

CMCIFR2A

\*\*\*

آدرس سایت انترنیتی نهضت آینده افغانستان:

www.ayenda.org

آدرس تماس بامدیر مسؤول:

ayenda-editor@ayenda.org

ما در مقیاس کوچک حرکت مان به سوی آینده، در متن فاجعه هایی که از چهارسو بر زادگاه ما باریده است، روزنه یی به سوی امید باز کرده ایم. تداوم و گسترده گی این روزنه، دیگر مربوط به شمار آگاهانیست که ما را در این امر خطیر، ولی مقدس، همراهی میکنند.  
باور یافتن شاید کار ساده یی باشد، ولی، دوباره زنده کردن باورها از زیر انبوه خاکستر جفا و خیانت و شکست، آن هم همراه با تحقیرها، دلهره ها و روان افسرده گیهای ناشی از مهاجرت و بیوطنی، کاریست بینهایت دشوار. با این همه باید «چراغی برافروخت و به جنگ سیاهیها» رفت.

این کتاب مجموعه مقاله ها و سخنرانیهاییست که در جریان یک دهه به منظور سهمگیری در امر نوسازی اندیشه یی و سیاسی جنبش چپ دموکراتیک افغانی نگاشته شده اند.

لطفاً غرض دریافت کتاب به این آدرس ایمیل تماس بگیرید: ayenda\_org@yahoo.com

